روزنامه اطلاعات روز

۸۷۴ | سه شنبه | ۱۶سرطان، ۱۳۹۴ | سال‌چهارم | قیمت: ۱۰ افغانی | Price: 10 Af | Year 04 | 07 July, 2015 | Tuesday | 874

اتهام قوم گرایی؟

چند روز از کشتار غم انگیز جلریز گذشت. پس از کشتار جلریز واقعیت‌های این جنگ یکی یکی آشکار شد. آنچه در جلریز اتفاق افتاد یک کشتار و جنایت جنگی تروریستی با رویکرد و انتخاب قومی بود. بازماندگان این جنگ آشکار کردند که منابع امنیتی ولایت از کمک به آنها دریغ ورزیده است و نیروهای امنیتی (پولیس نظم عامه) نه تنها که فقط تماشاگر جنگ بوده اند، بلکه آشکارا به دلایل تعلق قومی در پی توهین سربازان بازمانده جنگ بوده اند. بازماندگان این جنگ و شاهدان عینی از میان وکلای شورای ولایتی تأیید کرده اند...

صفحه ۳

عبدالله: با کسانی که در حادثه‌ی جلریز غفلت کرده‌اند جدی برخورد شود

صفحه ۲

جنگ‌جویان افغان حکومت را به غفلت در نبرد مرگبار با طالبان متهم می‌کنند

ابراهیم، در حالی که در یک دستش اسلحه داشت با دست دیگر تیلفون همراهش را جواب داد. او امیدوار بود که این تماس خبر نیروهای کمکی به پسته پولیس محلی افغان را که وی در آن انجام وظیفه می‌کرد به همراه داشته باشد؛ پسته‌ای که از سوی صدها شورشی طالب تحت محاصره قرار داشت...

صفحه ٤

چرا همسایه‌های افغانستان از سرازیر شدن مواد مخدر ترس دارند؟

جنرال رستم نظروف، رییس اداره‌ی کنترل مواد مخدر در دولت تاجکستان در دوشنبه به من گفت:«مواد مخدر بستگی به افغانستان دارد، چون، تمام مواد مخدر را که ما]از نزد قاچاق‌بران[توقیف می‌کنیم، از افغانستان می‌آید.»
او گفت افغانستان ۹۰ درصد تریاک جهان را تولید می‌کند...

صفحه ۳

سرمقاله

گلبدین حکمتیار؛ برگشت سیاسی یا پایان زندگی؟

حزب اسلامی گلبدین حکمتیار سال‌هاست که سیاست را در فرار و پنهان گاه‌های سیاسی دنبال می کند. حکمتیار پس از کنفرانس بُن بیشتر در حاشیه رفت و در دوران جدید از حداقل از شاخه‌ی حِزبی مربوط به خودش هیچ نقشی در سیاست افغانستان بازی نتوانست. این حزب نه کُرسی‌های قدرت را و نه جبهات جنگ را تصرف کرد. این حزب هم‌چنان کرسی‌های صلح را نیز اشغال...

صفحه ۲

محمد خان: جنگ‌جویان که در میدان‌های جنگ اسیر می‌شوند دوباره رها می‌گردد

اطلاعات روز: محمد خان، معاون اول ریاست اجرایی گفته است که بارها گزارش‌هایی به نشر رسیده که جنگ‌جویان دشمن که توسط نیروهای امنیتی در میدان‌های جنگ اسیر می‌شوند، دوباره آزاد می‌شوند. محمد خان افزود که مواردی هم وجود دارد که یک جنگ‌جوی دشمن چند بار از میدان‌های جنگ اسیر گرفته شده است...

صفحه ۲

مظاهره مردم کابل در اعتراض به کاهش حکم چهار متهم قتل فرخنده از اعدام به حبس

اطلاعات روز: صدها تن از مردم کابل در اعتراض به حکم دادگاه استیناف کابل در کاهش جرم چهار متهم پرونده قتل فرخنده از اعدام به حبس، روز گذشته مظاهره کردند. تظاهرات‌کنندگان در جاده‌ی فرخنده در مقابل مسجد شاه دو شمشیره، تجمع کردند و حکم دادگاه استیناف را تقبیح نمودند. معترضان که اکثر شان زنان...

عبدالله: با کسانی که در حادثه‌ی جلریز غفلت کرده‌اند جدی برخورد شود

اطلاعات روز: عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی گفت بررسی ابتدایی نشان می‌دهد که در رویداد جلریز با نیروهای پولیس محلی که در این درگیری کشته شدند، همکاری صورت نگرفته است.
آقای عبدالله افزود با مسئولانی که در حادثه‌ی جلریز غفلت وظیفه‌وی کرده‌اند برخورد جدی شده و مجازات شوند.
او که روز گذشته در نشست شورای وزیران صحبت می‌کرد، اطمینان داد، افراد که در این حادثه غفلت کرده‌اند مورد پیگرد قرار می‌گیرند.
عبدالله گفت: «این یک مسئله‌ی جدی است که به‌صورت اساسی، روز گذشته در نشست شورای امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفت و هیئت حقیقت‌یاب برای بررسی جدی این موضوع، مؤظف گردید و در هر سطحی که غفلت وظیفه‌وی در امر کمک رسانی به پولیس محلی در جلریز صورت گرفته باشد، مورد پیگرد جدی قرار می‌گیرند.»
به روز پنج شنبه هفته‌ی گذشته بیش از هزار شورشی طالب بر پاسگاه‌های پولیس محلی در ولسوالی جلریز میدان وردک حمله کردند. بعد از حدود چهل ساعت درگیری، دست‌کم ۲۴ پولیس محلی کشته و ۱۲ پاسگاه این سربازان بدست شورشیان طالب سقوط کرد.
سربازانی که در این درگیری زنده مانده‌اند گفتند که در جریان درگیری، بارها از مسئولان درخواست کمک و اعزام نیروهای پشتبانی کرده بودند، اما هیچ کس به درخواست آنان توجه نکرد و هیچ کمکی هم به آن‌ها فرستاده نشد.
عدم فرستان نیروهای کمکی به این سربازان و کم توجهی مسئولان امنیتی انتقادهای زیادی را به دنبال داشت.
با افزایش این انتقادها از عدم حمایت از این سربازان، رییس جمهور هیئت حقیقت‌یاب را برای بررسی این حادثه تعیین کرد. شورای امنیت ملی نیز در نشست روز یک شنبه این شورا، حادثه‌ی جلریز را جنایت جنگی و ضد حقوق بشری خواند. هم‌چنان شورای امنیت ملی تأکید کرد که باید قابلیت‌های نیروهای امنیتی کشور بهتر شود و میکانیزمی ایجاد گردد که برای اعزام نیروهای تازه نفس در هر گوشه و کنار کشور به اسرع وقت اقدام صورت گیرد.
در همین حال سخن‌گویان وزارت‌های داخله و دفاع گفته‌اند که حادثه‌ی جلریز بررسی می‌شود و با افرادی که در این زمینه کوتاهی کرده باشند، برخورد قانونی خواهد شد.

محمد خان: جنگ‌جویان که در میدان‌های جنگ اسیر می‌شوند دوباره رها می‌گردد

اطلاعات روز: محمد خان، معاون اول ریاست اجرایی گفته است که بارها گزارش‌هایی به نشر رسیده که جنگ‌جویان دشمن که توسط نیروهای امنیتی در میدان‌های جنگ اسیر می‌شوند، دوباره آزاد می‌شوند.
محمد خان افزود که مواردی هم وجود دارد که یک جنگ‌جوی دشمن چند بار از میدان‌های جنگ اسیر گرفته شده است.
معاون اول ریاست اجرایی این موضوع را روز گذشته در نشست شورای وزیران مطرح کرد و گفت که یک سیاست و پالیسی روشن در خصوص بحث اسیران دشمن از میدان‌های جنگ روی دست گرفته شود.
او افزود که ما باید جدی باشیم و ادامه وضعیت رها سازی دوباره و بدون دلیل جنگ‌جویان دشمن برای ما خطرناک است.
این اظهارات معاون اول ریاست اجرایی در حالی‌ست که در ماه‌های اخیر شورشیان طالب حمله‌های شان را بر مناطق مختلف کشور نسبت به سال‌های گذشته افزایش داده است.
هم‌چنان بحث آزاد کردن اعضای گروه طالبان از زندان‌ها و رها سازی جنگ‌جویان که در میدان‌های جنگ اسیر می‌شوند و دوباره آغاز می‌گردند در حکومت پیشین نیز گزارش‌های به نشر رسید که این مسئله انتقادهای را نیز به همراه داشت.
از سویی هم در نشست دیروزی شورای وزیران محور اصلی بحث در مورد حادثه‌ی اخیر جلریز بود. در این مورد رییس اجرایی و محمد محقق، معاون دوم این ریاست تأکید کردند که در حادثه‌ی جلریز مسئولان غفلت کرده و با نیروهای پولیس محلی همکاری لازم نشده است.
هم‌چنان در این نشست اوضاع امنیتی کشور مورد بررسی قرار گرفت. مسئولان وزارت دفاع و داخله گزارش‌های خویش را از وضعیت امنیتی هفته‌ی گذشته کشور ارائه کردند.
معاون وزارت دفاع ضمن ارائه گزارش خود از وضعیت امنیتی هفته‌ی گذشته گفت که دشمن در نُه ولایت تحرکات تروریستی انجام داد که از این میان در پنج ولسوالی، تحرکات دشمن جدی بود. اما با وجود این در همه‌جا دشمن سرکوب شدند و در نتیجه ۲۸۰ جنگ‌جوی دشمن نابود و بیش از ۱۸۰ تن دیگر آنان زخمی گردیده‌اند.

مظاهره مردم کابل در اعتراض به کاهش حکم چهار متهم قتل فرخنده از اعدام به حبس

اطلاعات روز: صدها تن از مردم کابل در اعتراض به حکم دادگاه استیناف کابل در کاهش جرم چهار متهم پرونده قتل فرخنده از اعدام به حبس، روز گذشته مظاهره کردند.
تظاهرات‌کنندگان در جاده‌ی فرخنده در مقابل مسجد شاه دو شمشیره، تجمع کردند و حکم دادگاه استیناف را تقبیح نمودند.
معترضان که اکثر شان زنان بودند شعارهای چون: «خون فرخنده شهید وجدان هر افغان شرافت‌مند است؛ نگذاریم خاینان بر وجدان ما پا گذارند»، «تا جنایت‌کاران خلع قدرت نشوند، هر روز فرخنده‌ی دیگری قربانی خواهد شد» و «بر خیزیم بر خیزیم مشت ما تفنگ ما است» را سر می‌دادند.
هفته‌ی گذشته دادگاه استیناف کابل حکم چهار متهم پرونده قتل فرخنده را از اعدام به حبس کاهش داد. علی عبدالناصر مرید، قاضی دادگاه استیناف کابل گفت که دادگاه استیناف حکم اعدام چهار نفر از متهمان در پرونده قتل فرخنده را لغو کرده و سه نفر از آنها را به بیست سال حبس و یکی شان را که نظر به اسناد ارائه شده، که زیر سن هجده سال بود به ده سال حبس محکوم کرده است.
سیلی غفاری، سخن‌گوی حزب همبستگی افغانستان که در این مظاهره شرکت کرده بود، حکم دادگاه استیناف را غیر عادلانه خواند و گفت این حکم به‌خاطری غیر عادلانه است که دادگاه به شکل سری برگزار شد.
غفاری گفت: «ما به پیگیری قضیه‌ی فرخنده هیچ باور نداریم، به‌خاطریکه جنایتکاران اصلی رها می‌شوند؛ اما افرادی که واسطه ندارند محاکمه می‌شوند.»
خانم غفاری هرچند از فرد مشخص نام نبرد ولی گفت که قضیه فرخنده پروژه‌ی شده که یک تعداد تلاش دارند که این قضیه فراموش شود.
ملالی جویا، عضو پیشین مجلس نمایندگان که در جمع معترضان بود گفت که قتل فرخنده یک وحشت باور نکردنی است، به‌خاطری‌که تصادفی نه، بلکه یک عمل از قبل برنامه ریزی شده بود که در عقب آن، دست‌های ناپاک جنایت‌کاران زن ستیز دخیل بوده است.
خانم جویا افزود که افغانستان تا هنوز هم جهنم سوزان برای زنان این کشور است که یک نمونه‌ی آن قتل فرخنده می‌باشد.
او گفت: «دفاع از فرخنده، دفاع از شرف و وجدان ملت و زنان ستمدیده است و ما تعهد می‌سپاریم که تا آخرین قطره‌ی خون، از حق فرخنده شهید دفاع نماییم.»
شرکت کنندگان با صدور قطعنامه‌ای هشدار داد، در صورت که به صدای آنها شنیده نشود، دامنه‌ی تظاهرات را گسترده خواهند کرد.
درقطعنامه آمده است: «هرچند محکمه‌ی ابتدایی چند تن را محکوم نمود، اما محکمه‌ی استیناف که زیر قیادت ارگ نشینان به صورت سری دایرگردید، مجازات چهار عامل اصلی را که به اعدام محکوم بودند، به ۲۰ سال حبس کاهش داده و مجازات سایر مجرمان را نیز سبک ساخته است.»
این در حالی‌ست که به تازگی رییس جمهور غنی در نشست با گروه دادخواهی حل عادلانه قضیه فرخنده گفت که نواقص دادستانی در ابعاد مختلف قضیه قتل فرخنده مورد بررسی قرار می‌گیرد.
رییس جمهور در دیدار با خانواده فرخنده تعهد کرد تا زمینه‌ی عدالت در این راستا تأمین شود.
فرخنده دختر ۲۷ ساله در (۲۸ حوت) سال گذشته به اتهام سوختاندن قرآن کریم از سوی افراد خشمگین در مسجد شاه دو شمشیره و در نزدیکی مقر فرماندهی حوزه‌ی دوم امنیتی پولیس کابل به صورت وحشتناکی کشته و بعد جسدش به آتش کشیده شد. این قتل اعتراض‌های گسترده را در داخل و خارج کشور به دنبال داشت.

روسیه و چین برای تهدید گروه داعش در افغانستان گفت‌وگو می‌کنند

اطلاعات روز: قرار است رییس جمهوران کشورهای روسیه و چین در مورد گسترش فعالیت و تهدید گروه داعش در افغانستان گفت‌وگو کنند.
چینگ گوپینگ، معاون وزارت خارجه‌ی چین، روز گذشته در نشست خبری در بیجینگ به خبرنگاران گفت که نشست دو روزه‌ی امنیتی به نام "ایروایشیا" پنج شنبه آینده در شهر اوفای روسیه برگزار می‌شود.
به گفته‌ی معاون وزارت خارجه‌ی چین، علاوه بر رییس جمهوران روسیه و چین قرار است رییس جمهوران کشورهای عضو سازمان شانگهای، قزاقستان، قرغیزستان، تاجیکستان و ازبکستان نیز در این نشست اشتراک کنند.
او افزود که هم‌چنان قرار است که رییس جمهوران کشورهای برازیل، هندوستان و افریقای جنوبی نیز در این نشست اشتراک کنند.
بر اساس گفته‌های چینگ گوپینگ، افزون بر موضوعات دیگر که در این نشست در مورد آن بحث خواهد شد، در مورد گسترش فعالیت‌های گروه داعش در افغانستان نیز گفت‌وگو خواهد شد.
او گفت که با گسترش فعالیت گروه داعش در افغانستان این کشور با تهدیدهایی مواجه است.
منبع افزود که در نشست "ایروایشیا" که هفته‌ی آینده برگزار می‌شود، در مورد چگونگی پاسخ به تهدیدها و چالش‌های به وجود آمده در افغانستان بحث صورت می‌گیرد.
پیش از نیز کشورهای روسیه، چین و هند در مورد ناامنی‌ها و افزایش حمله‌های گروه‌های تروریستی به ویژه گروه تروریستی داعش در افغانستان ابراز نگرانی کرده بودند.
یک ماه پیش نیز مقام‌های چین، روسیه و هند در یک نشست سه‌جانبه در دهلی نو از روند صلح افغانستان حمایت کردند. این مقام‌ها از وضعیت امنیتی افغانستان ابراز نگرانی کرده و گفته بودند که ناامنی در این کشور تأثیر مستقیم بر امنیت و ثبات منطقه دارد.
روسیه نگران است که بی‌ثباتی در افغانستان باعث بی‌ثباتی کشورهای هم پیمانش در آسیای مرکزی شود.
هم‌چنان چین نیز از فعالیت‌های گروه داعش در افغانستان نگران است؛ زیرا چین در افغانستان پروژه‌های اقتصادی دارد و اگر امنیت افغانستان وخیم گردد، منافع اقتصادی چین در کشور با تهدید مواجه می‌شود.
از سویی هم، رایان کراکر، سفیر پیشین امریکا درافغانستان، گفته است که تهدیدات برخاسته از داعش و جنگ‌جویان پیشین طالبان که به این گروه در افغانستان بیعت کرده‌اند باید از سوی مقام‌های حکومت افغانستان و امریکا جدی گرفته شود.
او تأکید کرده که حضور داعش در افغانستان نباید نادیده گرفته شود.

یادداشت روز

گلبدین حکمتیار؛ برگشت سیاسی یا پایان زندگی؟

حزب اسلامی گلبدین حکمتیار سال‌هاست که سیاست را در فرار و پنهان گاه‌های سیاسی دنبال می‌کند. حکمتیار پس از کنفرانس بُن بیشتر در حاشیه رفت و در دوران جدید از حداقل از شاخه‌ی حزبی مربوط به خودش هیچ نقشی در سیاست افغانستان بازی نتوانست. این حزب نه کُرسی‌های قدرت را و نه جبهات جنگ را تصرف کرد. این حزب هم‌چنان کرسی‌های صلح را نیز اشغال نتوانست. از این رو در انزوای کامل سیاسی به سر برد. اما به تازگی حزب اسلامی شاخه گلبدین حکمتیار در یک موضع‌گیری تازه از جنگ‌جویانش خواسته در صورت بروز جنگ طالبان و اعضای گروه داعش در افغانستان، از گروه داعش حمایت کنند. بیانیه کوتاه حزب اسلامی در سایت شهادت وابسته به این گروه آورده: "در صورتی که میان طالبان و جنگ‌جویان طالبانی که به دولت اسلامی پیوسته جنگ شود، باید از این جنگ‌جویان حمایت کرد". در این اعلامیه گفته شده برای حزب اسلامی "طالبان، شورای نظار و کمونیست‌ها" دشمن سوگند خورده‌اند.
این موضع گیری در حالی منتشر می‌شود که از یک طرف حزب اسلامی شاخه حکمتیار منزوی است و از جانب دیگر داعش وضعیت مبهمی در افغانستان دارد و طالبان هم‌چنان محور چانه زنی‌های سیاسی و جنگ و صلح است. به همان تناسب که حزب اسلامی حکمتیار برای دولت و مردم افغانستان بی اهمیت است، داعش نیز هنوز برای دولت‌مردان افغانستان تهدید جدی نیست. هرچند که ممکن است که این برداشت و ارزیابی حکومت افغانستان اشتباه باشد.
اما آنچه روشن است، باخت سیاسی حکمتیار است. او بازنده‌ی واقعی میدان سیاست با توجه به شهرت پس از جنگ با شوروی‌اش بوده است. رهبری با آن همه محبوبیت و تشکیلات پس از چندین دهه اگر چنین منزوی و زمین خورده باشد، باید اعتراف به یک شکست تلخ در سیاست ورزی کند. حکمتیار همکاران سیاسی و حزبی‌اش را به مروز یکی یکی باخت و نفوذش در میان مردم کم رنگ شد. او حمایت‌های بیرونی‌اش را از دست داد و اسلام سیاسی‌اش را به منجلاب تنفر غرق کرد. اقدام تازه‌ی حکمتیار قماری است برای برگشتن به سیاست و میدان قدرت و پرستیژ. این قمار تکلیفش روشن نیست. اما بعید است که حمایت از داعش پایان خوشی برای حکمتیار داشته باشد. حکمتیار با داعش ناسازگار است و غیر قابل جمع. حکمتیار طالبان، شورای نظار و کمونیست‌ها را دشمن سوگند خورده خود اعلام کرده است، اما داعش جنگش برای پس زدن این سه گروه سیاسی نیست. داعش نهایتش اگر در افغانستان جدی شود، با شعارهای مذهبی و اسلامی جدی خواهد شد و با شیعه ستیزی رمق خواهد کشید و خریدار خواهد پیدا کرد. از این رو، داعش و حکمتیار غیر قابل جمع است. اگر این پیشنهاد از سوی گروه داعش استقبال شود، باز هم رهبری داعش مجالی برای حکمتیار نخواهد داد تا پیر و سالار داعش و جنگ داعش در افغانستان باشد.
این ائتلاف چه صورت بگیرد، چه نتیجه‌ی نداشته باشد، برای حکمتیار هزینه‌های سنگینی در پی خواهد داشت. حکمتیار آخرین روزهای زندگی سیاسی‌اش را نفس می‌کشد. او اکنون باخته است و این موضع گیری اعتراف ضمنی به این باخت است با این امید که شاید او را از انزوای کنونی در جبهه ی جنگ داعش با مردمان محلی بکشاند. اما داعش اگر جنگ و جریانش در افغانستان راه افتاد، بزرگ‌تر از آن خواهد بود که محتاج کمک سیاست‌مدار شکست خورده‌ی مثل حکمتیار باشد. حکمتیار چیزی ندارد که داعش را وادار به ائتلاف کند. او هر چه داشته باخته، و هر چه دارد مصرف می‌کند. حکمتیار نه جنگ‌جویان زیاد دارد، نه نفوذ مردمی گسترده، نه روابط منطقه‌ی و سیاسی محکم و نه اقتصاد شگوفا و غنی؛ پس داعش برای چه با حکمتیار همکار شود و به او امتیاز سیاسی بدهد؟ حکمتیار شکست خورده و بی آبرو، نه تنها به داعش کمکی نمی‌تواند بلکه برای او به مثابه بار اضافی است که داعش خوش ندارد در پس خانه قطارش جا بدهد.
اما این پیشنهاد حکمتیار را به پایان زندگی سیاسی‌اش نزدیک‌تر کرد. او با داعش یا بی داعش باخته بود و تمام شده بود. اینک در فضای امروز افغانستان، پیشنهاد جدید او اشتهای او را برای قدرت عریان کرد و مردم بیشتر می‌داند که حکمتیار برای رسیدن به قدرت از چه کارهایی دست نمی‌یازد. لذا، اسلام سیاسی که حکمتیار حرفش را بلند کرده بود، ناسازگارتر از خلافتی است که داعش برای آن انسان کُشی می‌کند. این پیشنهاد، مریدان آن اسلامی سیاسی را از حکمتیار خواهد گرفت و رنج زندگی را بر حکمتیار بیشتر خواهد کرد و زندگی او را کوتاه‌تر.

اتهام قوم گرایی؟

ذکی دریابی

چند روز از کشتار غم انگیز جلریز گذشت. پس از کشتار جلریز واقعیت‌های این جنگ یکی یکی آشکار شد. آنچه در جلریز اتفاق افتاد یک کشتار و جنایت جنگی تروریستی با رویکرد و انتخاب قومی بود. بازماندگان این جنگ آشکار کردند که منابع امنیتی ولایت از کمک به آنها دریغ ورزیده است و نیروهای امنیتی (پولیس نظم عامه) نه تنها که فقط تماشاگر جنگ بوده اند، بلکه آشکارا به دلایل تعلق قومی در پی توهین سربازان بازمانده جنگ بوده اند. بازماندگان این جنگ و شاهدان عینی از میان وکلای شورای ولایتی تأیید کرده اند که از خانه‌های محل بر سربازان پولیس محلی شلیک شده اند و قبل از جنگ در میان مردم محل اسلحه توزیع شده بود. این‌ها واقعیت‌های دردناک جنگ در جلریز است. اما جلریز به این‌جا خلاصه نمی‌شود. واکنش ما در برابر آنچه که به عنوان یک جنایت جنگی در جلریز اتفاق افتاد، حرف مهم دیگر امروز و فردای ماست. خبر و گزارش از این‌که سربازان پولس محلی به دلیل این‌که هزاره بودند مورد آماج مردم محل و تروریستان طالب قرار گرفتند، بازی "ملی گرایی" آدم‌های قبیله را رسوا کرد. بی باوران به ملی گرایی به جای این‌که در چهار روز نخست در تقبیح و تفسیر و بازخواست از مقامات امنیتی چیزی بنویسند، پس از چهار روز دارند یکی یکی اتهام قوم گرایی را بر دادخواهان می‌چسپاند تا به باور خودشان در پناه شعارهای شیک ملی گرایی، بر یک ترور و توطئه و جنایت قومی خودشان پرده اندازی کنند. و این گونه فکر می‌کنند که ما نمی‌دانیم که آنچه پس از جلریز می‌نویسید، همان احساسات محکم قومی تان است که برای دفاع از جنایتکاران مصرف می‌کنید و در پی پنهان کردن حقیقتید. اما واقعیت این است که آنچه در جلریز اتفاق افتاد، تجاوز آشکار قومی و مداری گری قبیله‌ی بود. عده‌ی با مردم محل بر پولس مرزی حمله کردند و جمعی دیگری با امتیازات دولتی به این کتشار قاه قاه خندیدند. اگر حقیقت این نیست، چیست؟ و اگر حقیقت این است، این تجاوز قومی و کشتار قومی نیست، پس چیست؟

از این رو آنی‌که به ملی گرایی می‌اندیشد و ملی گراست، قبل از آن، صاحب نگاه انسانی نیز هست. تا انسانی فکر نکنید به ملی گرایی نمی‌رسید، اگر ملی گرایید و مقدم بر آن متر و ترازوی تان با عیار انسانی شمارش می‌کند، چرا به این مسئله به عنوان یک جنایت جنگی و ضدبشری برخورد نکردید و چیزی ننوشتید و نگفتید. فرض بر این که دادخواهان برای کشتار جلریز قوم گرایی کردند و قوم گرایانه عمل کردند، کجای کار شما ملی گرایانه و انسانی بود؟ سکوت تان؟ یا پرداختن به اتفاقات پس از جلریز؟ شما به جلریز نپرداختید، به دادخواهی برای جلریز حمله کردید. کسی که از کشتار جلریز ننویسد و دادخواهی برای جلریز را قوم گرایی حساب کند، نه ملی گراست نه در ملی گرایی می‌گنجد. پرداختن به دادخواهی و روند پس از جلریز محصول واکنشی است که مردم در برابر این کشتار داشت؛ و آن تاختن به یک بازی به نام ملی گرایی برای اندوختن و تاختن قومی بود. قبیله گرا و قوم گرا همیشه تا قوم گرایی و انحصار طلبی‌اش رونق دارد، در بازار بی سامان کنونی حرف ملی گرایانه می‌زند، اما زمانی که دیگران به مسایل قومی پرداخت و جسارت گفتن و نقد کردن از وضعیت و بیان حقیقت را پیدا کرد، رُخ دیگر سکه را نشان می‌دهد و آن ملی گرایی است که سال‌هاست چشم مان را بر روی واقعیت بسته است.

مثلاً ممکن است همه‌ی ما راست بگوییم. ما هم ملی گرایی می‌کنیم و شما نیز ملی گرایید. اما مسئله ملی ما چیست؟ اختلاف ما این‌جاست. و این حقیقت مسلم و غیر قابل انکار نسل ماست. تا بر سر مسئله ملی و منافع ملی توافق نداریم، هیچ کدام ما ملی گرا نخواهیم بود. برای من مسئله‌ی ملی‌تر از مسئله ترور و کشتار و اختتاف هزاره‌ها وجود ندارد، حالا ممکن است برای کسی دیگری سنگ اندازی در راه لویه جرگه قانون اساسی و اصلاح نظام انتخاباتی مسئله ملی باشد. من عجالتاً آنچه ملی می‌بنیم مسئله هزاره‌هاست و رویکرد دولت نسبت به این مسئله.

اما اینک در پایان این وضعیت، راهی نداریم جز این‌که کشتار قومی را، قومی بپنداریم و برای آن کار ملی کنیم. اگر قوم گرایی به نفع همه‌ی ما نیست، منافع همه‌ی ما این است که در برابر یک کشتار قومی، ایستادگی ملی کنیم. اتهام بستن به آنانی که نمی‌توانند چشم شان را بر حقیقت ببندند، در حقیقت فرار از مسئولیت انسانی است که بر همه‌ی ما در برابر این کشتار قومی وجود دارد. تا به این مسئولیت‌ها رسیدگی نکنیم، تعارف وحدت ملی ما را از حقیقت دور می‌کند و آتش زیر خاکستر قوم گرایی را خطرناک تر می‌کند، و هیچ امیدی نیست که ما را به ملی گرایی واقعی نزدیک کند و تیم ملی کند و به ملی اندیشی برساند.

اما اینک در پایان این وضعیت، راهی نداریم جز این‌که کشتار قومی را، قومی بپنداریم و برای آن کار ملی کنیم. اگر قوم گرایی به نفع همه‌ی ما نیست، منافع همه‌ی ما این است که در برابر یک کشتار قومی، ایستادگی ملی کنیم. اتهام بستن به آنانی که نمی‌توانند چشم شان را بر حقیقت ببندند، در حقیقت فرار از مسئولیت انسانی است که بر همه‌ی ما در برابر این کشتار قومی وجود دارد. تا به این مسئولیت‌ها رسیدگی نکنیم، تعارف وحدت ملی ما را از حقیقت دور می‌کند و آتش زیر خاکستر قوم گرایی را خطرناک تر می‌کند، و هیچ امیدی نیست که ما را به ملی گرایی واقعی نزدیک کند و تیم ملی کند و به ملی اندیشی برساند.

چرا همسایه‌های افغانستان از سرازیر شدن مواد مخدر ترس دارند؟

آیا افزایش نبردها در شمال افغانستان منجر به سرازیر شدن مواد مخدر از طریق تاجکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه به روسیه و اروپا خواهد شد؟ نگرانی مقام‌های بلندپایه‌ی کشورهای منطقه این است.

نویسنده: احمد رشید، خبرنگار و نویسنده‌ی مشهور پاکستانی منبع: سرویس جهانی بی بی سی برگردان: جواد زاولستانی

جنرال رستم نظروف، رییس اداره‌ی کنترل مواد مخدر در دولت تاجکستان در دوشنبه به من گفت:«مواد مخدر بستگی به افغانستان دارد، چون، تمام مواد مخدر را که ما]از نزد قاچاق‌بران[توقیف می‌کنیم، از افغانستان می‌آید.»

او گفت افغانستان ۹۰ درصد تریاک جهان را تولید می‌کند و در صورتی که دولت افغانستان کنترلش را بر مناطق مرزی افغانستان با تاجکستان از دست بدهد، سرازیر شدن مواد مخدر از این کشور به تاجکستان افزایش خواهد یافت. بخش بزرگ این منطقه‌ی مرزی را، پنج رود، تشکیل می‌دهد.

صدها جنگجوی طالبان، طالبان پاکستانی و پیکارجویان اسلام‌گرای کشورهای آسیای میانه و دیگر گروه‌های مختلف، مناطق وسیعی را در ولایت‌های شمالی افغانستان که هم‌مرز با ازبکستان، ترکمنستان و تاجکستان‌اند، در کنترل شان آورده‌اند. جنرال نظروف گفت:«ما می‌بینیم که هر روز اوضاع نظامی در افغانستان بدتر می‌شود و هر قدر کنترل جنگ‌سالاران و تندروان اسلامی بر آن طرف مرز در افغانستان بیشتر شود، مواد مخدر بیشتر به این طرف سرازیر خواهد شد.»

بر اساس گفته‌های جنرال نظروف و دیپلومات‌های غربی در دوشنبه، بخش بزرگی از پول این گروه‌های پیکارجو، با قاچاق مواد مخدر به دست می‌آید. گروه‌های پیکارجوی کشورهای آسیای میانه، نخستین قاچاق‌بران مواد مخدر به روسیه، اروپا و چین هستند. قاچاق مواد مخدر به سوی چین در حال افزایش است.

به گفته‌ی جنرال نظروف، تمام گروه‌های پیکارجوی آسیای میانه، مانند جنبش اسلامی ازبکستان و انصارالله و نیز جناح‌های گوناگون طالبان و گروه دولت اسلامی (داعش)، نیز در قاچاق مواد مخدر دست دارند.

گروه دولت اسلامی (داعش) تا حدودی در منطقه یک بازیگر جدید است و در ماه‌های اخیر، در تلاش گسترش نفوذ خود به افغانستان بوده است.

به گفته‌ی مقام‌های بخش کنترل قاچاق مواد مخدر در تاجکستان، در گذشته‌ها، قاچاق‌بران افغان، بسته‌های بزرگ مواد مخدر را در مرز به به گروه‌های آسیای میانه‌ای تحویل می‌دادند، اما اکنون افغان‌هایی که از طالبان و دیگر گروه‌ها نمایندگی می‌کنند برای شریک شدن در سود هنگفت ناشی از تجارت مواد مخدر در روسیه و اروپا، در مسکو و دیگر شهرهای روسیه زندگی می‌کنند.

قیمت یک کیلو هیرویین در مرز افغانستان-تاجکستان ۲۰ هزار دالر (۱۲۸۰۰ پوند) است. اما قیمت این مقدار در بازارهای پاریس و لندن به ۴۰۰ هزار دالر می‌رسد. مقام‌های تاجکستان می‌گویند که اکنون حضور افغان‌ها و آسیای میانه‌ای‌ها، کار را برای قاچاق‌بران بین‌المللی در اروپا آسان ساخته‌است. آنان اکنون مستقیما با منابع تهیه‌کننده‌ی مواد مخدر در افغانستان در تماس هستند و از نزدیک با هم کار می‌کنند. وزیر خارجه‌ی روسیه، سرگی لاوروف، در این اواخر هشدار داد که «حجم تولید مواد مخدر در افغانستان با سرعت تهدیدکننده‌ای افزایش می‌یابد و درآمد آن نه تنها توسط گروه‌های تروریستی داخل این کشور مصرف می‌شود...

ادامه مطلب در صفحه ۵

خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

لعنت بر شما قوم‌گراها!

دنیای کنونی، دنیای ارتباط و تعارف است. مثلاً چندماه پیش شلوار یکی از استادان سر کلاس درس، پایین رفت. گرچه همه می‌خواست بخندند اما بخدا قسم که تمام ما سکوت تعارف کردیم. می‌فهمیدیم که دقیقاً همان لحظه که شلوار استاد پایین رفته بود، لحظه‌ای استراتژیک است. ما آن لحظه را درست مدیریت کردیم و استاد پاداش تعارف به‌جای ما را داد. هیچ‌کسی چانس نخورد و نیکست‌یبر نشد!

از آن روز تا حالا، من شخصاً روزهای متفاوت، شیرین و سختی را تجربه کرده‌ام. چهارشنبه گذشته طالبان در جلریز بالای پوسته‌های امنیتی حمله کرده، ده‌ها سردار وطن را شهید کردند. غم این حمله دامن کابل را گرفت. شلوار خیلی از استادان گران‌ارج را پایین کرد (تقصیر من نیست! هر استادی که از بد روزگار صاحب شکم با قطر سه متر شده، مواظب باشد که کمربندش را روی شکمش نبندد، ورنه با هر نفس عمیقی که می‌کشد و لازم می‌شود که نفس عمیق بکشد، شلوارش پایین خواهد رفت).

همه فهمیدیم که وزارت داخله، وزارت دفاع، ریاست امنیت ملی، قوماندان امنیه و والی میدان وردک، مقصر اصلی این فاجعه‌ی خونین اند. اما بلای ارتباطات و تعارف گردن ما را می‌گیرد، چیزی نمی‌گوییم. تعداد شهدا را ۲۲ نفر اعلام کردند، کم نیست. هزاره‌ها به دنبال این کشتار وحشیانه‌ی طالبان و همکاری مردم محل در این حمله با طالبان، اعتراضات شدیدی علیه دولت و مقامات به راه انداختند. نمی‌دانم قانون برای این مردم حق اعتراض داده یا خیر؟! اگر داده، آیا این اجازه را هم به این مردم داده که در اعتراضات خویش از درد هزاره بنالد یا نه؟

به‌هرصورت، قانون مهم نیست، ما کی قانونی گفتیم، کردیم و پنداشتیم که این بار دومش باشد. اما این جلریز ضمن این‌که سراسر خون بود و وحشت، یک پیام فوق‌العاده برای ما داشت. بعد از جلریز همه فهمیدیم که دولت چه‌کار می‌کند و مردم در کجای کار قرار دارند؟ مثلاً من شخصاً یک آدم را می‌شناسم که ۱٤ سال است به‌خاطر فعالیت‌های عدالت‌خواهانه و افکار مدنی اش، ماهانه ۱۵۰۰۰ دالر معاش می‌گیرد. این آدم، هزاره نیست و قبل از این‌که به قوم خودش منسوب باشد، انسان است. شب نمی‌گوید، روز نمی‌گوید، هروقت که بخواهی در خدمت عدالت و مدنیت قرار دارد. او می‌گوید که من تصمیم داشتم رویداد جلریز را محکوم کنم، اما از بس سروصدای هزاره‌ها زیاد بود، عمداً منصرف شدم. چرا این هزاره‌ها این‌قدر قوم‌گرایی می‌کند؟ شما ببینید تمام اکثریت شهدا را بردند در یکاولنگ دفن کردند، چرا؟ این قوم‌گرایی نیست، چیست؟

یکی دیگر از این روشن‌فکران غیرهزاره گفت که هزاره‌ها نباید وقتی ۵۰-٦۰ یا حتی ۲۰۰ نفر شان کشته می‌شود، این‌قدر بلوا کنند. او گفت که وزیر داخله به ملی‌اندیشی قوم هزاره شک داشته و دارد. او عمداً این کار را کرد تا ببیند که مردم هزاره چه‌قدر ملی می‌اندیشد. اما لعنت به قوم‌گراها که اجازه نمی‌دهند این وطن آباد شود!

البته یک نفر دیگر که افتخار می‌کند بهترین و بیشترین دوستانش از قوم هزاره است، با لحن نرم و نگاه انسانی‌تر گفت: من بعد از جلریز تاحالا ۱۷ مرتبه استفراق کرده ام. هربار که نوشته‌ی دوستان هزاره خود را خواندم، استفراقم گرفته است. او با نگاه بالا اندر پایین خطاب کرد که نگذاریم افغانستان به رواندا تبدیل شود. ما که هنوز نمی‌فهمیم رواندا چیست و چرا نباید بگذاریم افغانستان به رواندا تبدیل شود؟ به ناچار خدمت جامع‌المعلومات رفتیم. آن‌جا یافتیم که رواندا یک کشور است که یکی از اقوام آن بدست قوم دیگر که منابع قدرت بدستش بوده، سلاخی و نسل‌کشی شده است. این آقا ادعا دارد که اگر تا حالا انسانی نیاندیشیده بود، حتماً قهرمان و بابای قومش شده بود. اما او قول داد که تا آخر عمر انسانی بیاندیشد، حتی اگر مقام پشک قومش را هم بدست نیاورد.

تعداد هزاران نفر دیگر نیز هزاره‌ها را محکوم به قوم‌گرایی نمودند. آن‌ها طوری وانمود کردند که فعلاً تا خاموش شدن آتش جلریز، انسان نیستند. اما گفتند که این‌قدر هم تعطیل نیستیم که چشم بر احساسات قومی و افکار فاشیستی هزاره‌ها ببندیم. آن‌ها باثبوت گفتند که شیر اولاد آدم خورده و منافع این مملکت را می‌شناسند. یکی از آن‌ها گفت که دنیای کنونی، دنیای ارتباطات و تعارف است. ما به ولایت میدان وردک تماس گرفتیم، والی و قوماندان امنیه گفت که هیچ اتفاقی در جلریز نیفتاده. از همین‌رو از برادران و خواهران هزاره‌ی خود خواهش می‌کنیم که جنازه‌ی سربازان خویش را به چهارصد بستر نیاورند. این‌ها سپس تعارف کرده‌اند که هنوزهم فرصت دارید دست از این قوم‌گرایی‌های خویش بردارید! آن‌ها گفتند که نباید شهادت ۲۲ هزاره را با نابودی ۳۰ میل کلاشینکوف در پروان یک‌سان دانست.

البته موقف ریاست اجرائیه و ارگ تا هنوز هم روشن نیست! یکی فقط محکوم کرده، دیگری گفته که در مورد عاملین این قضیه به‌صورت جدی تحقیق شود. یکی نیست بگوید که آقا! قوماندان امنیه، والی، وزیر داخله، سرپرست وزارت دفاع، ریاست امنیت ملی همه مشخص است. طالبان هم که از همه مشخص‌ترند، پس چرا عسل می‌خورید؟! الهی که تحقیق جدی عبادت‌جای تان را خراب کند.

زبان و جایگاه زنان

نویسنده: رابین لاکوف
مترجم: معصومه عرفانی

بخش چهارم

ممکن است سوال شود که منظور از الفاظ خشن‌تر و ملایم‌تر چیست. (اگر این عبارات به واقع بی معنا بودند، هیچ کدام نمی‌توانستند قوی‌تر از دیگری باشند). تفاوت میان استفاده از «لعنتی» (یا امثال آن)، در مقابل «عزیزم»، «خدای من» (یا امثال آن)، در این نهفته است که شخص چگونه می‌خواهد عمق احساس خود را بیان کند. این‌که شخص از چه عبارتی برای بیان احساس خود استفاده می‌کند، بستگی به این دارد که شخص چگونه به خود اجازه می‌دهد چه احساسی نسبت به آن موضوع داشته باشد؛ بنابراین قدرت احساسِ نهفته در جمله، با قدرت الفاظ رابطه دارد. از این رو در موقعیت‌های واقعا جدی استفاده از «وندهای بی اهمیت» (که البته زنانه هستند)، یک طنز می‌سازد، یا از هر جهت کاملا نامناسب است:

(الف) آه ببین، موهای من آتش گرفته است.

(ب) عزیز من، آیا او آن کودک را دزدید؟

در کودکی، زنان همواره تشویق به این می‌شوند که مانند «بانوانی کوچک» باشند. بانوان کوچک مانند پسربچه‌ها پرسروصدا جیغ و فریاد نمی‌کنند، آنها بخاطر بدخلقی کردن یا نشان دادن خشم شان با شدت بیشتری تنبیه می‌شوند: از پسران، داشتن «روحیهٔ بالا» انتظار می‌رود و در نتیجه این‌گونه رفتارها در آنها تحمل می‌شود؛ تسلیم و سربه راه بودن ویژگی‌های مناسبی هستند که از دختربچه‌ها انتظار می‌رود. بنابراین ما متمایل به توجیه خشونت مردان هستیم در صورتی که چنین رفتاری را از سوی زنان نمی‌پذیریم. زنان اجازه دارند بهانه‌گیری یا شکایت کنند، اما تنها یک مرد می‌تواند با عصبانیت فریاد بکشد. اغلب ادعا می‌شود که برای این تفاوت رفتاری، مبنایی زیست شناختی وجود دارد. اگرچه به اعتقاد من دلایلی قطعی وجود ندارد که تفاوت‌های اولیه‌ای که در رفتارها مشاهده شده است، نتیجهٔ رفتارهای کاملا متفاوت با نوزادان هر دو جنس از همان آغاز (تولدشان) نباشد، اما مسلما استفاده از الفاظ متفاوت توسط زنان و مردان، رفتاری اکتسابی است که این مساله به تنهایی بازهم انعکاس دهندهٔ تفاوت‌های غیرزبان شناختی است و باز هم اشاره به نابرابری‌ای دارد که بین برخورد با مردان و انتظارات جامعه از آنها، و برخورد با زنان و انتظارات از آنها وجود دارد. این‌که مردان اجازهٔ استفاده از ابزارهای قوی‌تر برای بیان داده شده، نسبت به آن چیزی که به روی زنان گشوده است، جایگاه قدرت‌مند مردان را در جهان واقعی استحکام می‌بخشد: چرا که مطمئنا ما به کسی که نظرات خود را با عباراتی سخت‌تر و قوی‌تر بیان می‌کند، توجه بیشتری داریم و سخن‌گویی که، به هر دلیلی، از اظهار دیدگاه‌های خود به گونه‌ای قدرت‌مند ناتوان است، کم‌تر احتمال دارد که جدی گرفته شود. توانایی برای استفاده از واژه‌های سخت مانند «لعنتی» و «به جهنم»، البته تنها جزئی از نابرابری موجود است بیشتر از آن‌که دلیل آن باشد. اما یک بار دیگر، ظاهرا استفادهٔ اتفاقی (و برنامه ریزی نشده) زبان، نشان می‌دهد که زنان تا حدی بخاطر دلایل زبان شناسانه از برابری محروم شده اند و این‌که بررسی زبان می‌تواند دقیقا زمینه‌هایی که در آن نابرابری وجود دارد را نشان بدهد. علاوه بر این، اگر کسی اجازهٔ نشان دادن احساسات خود را داشته باشد و به طور مستمر این کار را انجام بدهد، دیگران بیشتر قادر به این هستند که او را به عنوان یک شخصیت مستقل ببیند، بیشتر از زمانی که او هرگز احساسات خود را بروز ندهد. پس باز هم در این‌جا، رفتاری که یک زن به عنوان رفتار «مطلوب» می‌آموزد، مانع از آن می‌شود که وی به عنوان یک فرد جدی گرفته شود و بعلاوه، این رفتار، «صحیح و مناسب» تلقی شده و آموختن آن برای زن کاملا ضروری است چرا که جامعه (باز هم) او را به عنوان یک فرد، جدی نمی‌گیرد.

نمونه‌های نابرابری‌هایی شبیه به این، در موارد واژگانی دیگر نیز وجود دارد. برای مثال، گروهی از صفات هستند که در کنار معنای تحت الفظی و خاصشان ، استفاده دیگری نیز دارند، که نشان دهنده تصدیق و تأیید گوینده در مورد مطلب است. برخی از این صفات، از لحاظ جنسی خنثی هستند، هم مردان و هم زنان ممکن است از آنها استفاده کنند. اما برخی از آنها به نظر می‌رسد در معنای مجازی، منحصر به استفاده در گفت‌وگوهای زنان هستند. فهرستی از هر دو نوع در زیر ارائه شده است:

خنثی:	عالی
فوق العاده	خیلی خوب
ساده و مرتب	
مختص زنان: دلپذیر	
فریبنده	
خوشایند	
دوست‌داشتنی، ستایش برانگیز	

هم‌چنان‌که با نام رنگ‌ها و الفاظ سوگندی نشان دادیم، برای یک مرد ورود به گروه زنان، به اعتبار او لطمه وارد می‌کند، در حالی‌که زنان می‌توانند آزادانه از کلمات خنثی استفاده کنند. اما نباید از این مسئله چنین استنباط شود که استفاده زنان از کلمات زنانه، بدون مخاطره است. جایی که زن امکان انتخاب میان کلمات خنثی و کلمات زنان دارد، و یک مرد این انتخاب را ندارد، او ممکن است چیزهایی کاملا متفاوت راجع به شخصیت و نگاهش نسبت به موضوعات بنا به انتخاب کلمات از گروه اول یا از گروه دوم، نشان بدهد.

الف) چه ایدهٔ فوق العاده‌ای!

ب) چه ایدهٔ فریبنده‌ای!

به نظر من، جملهٔ (الف) در هر موقعیت مناسبی می‌تواند توسط زنان به کار برده شود، اما جملهٔ «ب» بیشتر منحصر به زنان است. احتمالا این جمله بیشتر در موقعیتی استفاده می‌شود که گوینده احساس می‌کند این عقیده در نظر عموم الزاما پیش پاافتاده، مبتذل و بی اهمیت است - فقط برای خود گوینده جالب است-.

جنگ‌جویان افغان حکومت را به غفلت در نبرد مرگبار با طالبان متهم می‌کنند

منبع: لس آنجلس تایمز
نویسنده: علی محمد لطیفی
برگردان: حمید مهدوی

ابراهیم، در حالی که در یک دستش اسلحه داشت با دست دیگر تیلفون همراهش را جواب داد. او امیدوار بود که این تماس خبر نیروهای کمکی به پسته پولیس محلی افغان را که وی در آن انجام وظیفه می‌کرد به همراه داشته باشد؛ پسته‌ای که از سوی صدها شورشی طالب تحت محاصره قرار داشت. اما تماس گیرنده برادرش بود و ابراهیم، عضو بیست ساله شبه نظامیان حکومت افغانستان که از حمایت ایالات متحده برخوردار است، در وسط نبرد جنگ مسلحانه یک ساعته در ولایت شرقی میدان وردگ شکست و اشک از چشمانش جاری شد.

ابراهیم گفت: «وقتی صدایش را شنیدم با خودم فکر کردم «پایان کار است.» «قبل از این که با او خداحافظی کنم و بگویم که بخاطر هر اشتباهی که انجام داده‌ام متاسفم، گریه کردم».

حد اقل ۳۰ عضو پولیس محلی افغانستان در جنگ هفته گذشته، در جریان یک حمله هم آهنگ شورشیان طالب بر یک تعداد پسته‌های پولیس محلی افغانستان در ولسوالی جلریز که در یک شاهراه مهم استراتیژیکی و در فاصله تقریبا یک ساعته در غرب کابل واقع است، کشته شدند.

نیروهای حکومتی گفتند کنترول این پسته‌ها را دوباره در اختیار گرفته اند؛ اما پس از آن که شبه نظامیان بازمانده وزارت داخله را به ناکامی در فرستادن واحدهای ارتش یا پولیس به کمک نیروهای محلی افغانستان که عمدتا نیروهای شبه نظامی روستایی اند و با پشتیبانی شدید ایالات متحده ایجاد شده است، متهم کردند؛ رییس جمهور اشرف غنی خواستار تحقیق در این مورد شد.

ابراهیم و علی، عضو دیگر پولیس محلی افغانستان، گفتند که در جریان یک جنگ بیست و هفت ساعته که ناوقت شام روز چهارشنبه با هجوم نیروهای طالبان بر یک پسته‌ی نزدیک آغاز شد، اسلحه و نیرو تمام کرده بودند. هردو مرد که روز یکشنبه در کابل با لس انجلس تایمز سخن گفتند، دستور بازگشت به پسته‌های شان را رد کرده اند.

علی گفت که در جریان جنگ چندین بار به وزارت داخله که بر پولیس محلی افغانستان نظارت دارد، زنگ زد تا پشتیبانی هوایی و اسلحه و مهمات تازه بخواهد؛ اما هیچ کمکی نرسید.

طالبان بر چندین پسته پولیس محلی افغانستان که تمام جنگ‌جویانش از اقلیت قومی هزاره بودند، تاختند و این امر اتهام تعصب قومی به دنبال آورد. تمام جنگ‌جویان کشته شده پولیس محلی افغانستان هزاره بودند و قرار گزارش‌ها برخی از آنها سربریده شده و از پشت موترهای رونده کشیده شدند. برخی از مقام ها می‌گویند که شمار کشته شده‌گان می‌تواند تا ۴۵ تن بالا باشد.

> **یکی از فرماندهان پولیس محلی افغانستان بنام ظریف که در جلریز مستقر است و هفته گذشته در مرخصی بود در مصاحبه‌ای گفت که نیروهای شبه نظامی از مدت‌ها پیش احساس می‌کنند وزارت داخله آنها را نادیده می‌گیرد. وی گفت مناطقی را که آنها در آن مستقر بودند در جمله خطرناک‌ترین مناطق این ولایت هستند و مقام‌ها نتوانسته اند قربانی‌های این نیروها را درک کنند. وی گفت: «هنوز در آنجا [در جلریز] شهدایی داریم و در همان نقطه‌ای افتاده اند که طالبان بر آنها حمله کردند». وی گفت حکومت نمی‌تواند خطراتی را که پولیس محلی افغانستان، به ویژه در جلریز، با آن مواجه است هم چنان نادیده بگیرد. وی گفت: «ما به پولیس محلی افغانستان پیوستیم که در خدمت کشور باشیم» «نه بخاطر پول».**

درسه ماه گذشته، نیروهای امنیتی افغانستان در ولایت‌های شمالی قندوز و بدخشان نیز کابل را به ناکامی در کمک به آنها در میدان نبرد علیه شورشیان طالب متهم کرده اند؛ طالبانی که یکی از مرگ‌بارترین حملات شان در جریان چندین سال را در بخش‌های از شمال، شرق و جنوب افغانستان راه اندازی کرده اند.

گزارش‌ها از ولایت میدان وردک اولین موردی را گزارش می‌دهند که پولیس محلی افغانستان و هزاره‌ها را شامل است؛ هزاره‌هایی که از دیرهنگام بدین‌سو احساس می‌کنند توسط طالبان تحت سلطه پشتون هدف قرار داده شده و از تبعیض حکومت مرکزی شکایت داشته اند.

محمد کریم خلیلی، معاون دوم رییس جمهور پیشین گفت: «آنها به آسانی نجات داده می‌شدند؛ اما نشدند. چرا؟ این که بخاطر قومیت شان بوده یا خیر باید واضح شود».

عارف رحمانی، نماینده مجلس از ولایت شرقی غزنی در پارلمان گفت که سه پسته پولیس ملی افغانستان پاسخ ندادند؛ باوجودی که تقریبا در فاصله ۵۰۰ یارد از پسته‌های پولیس محلی افغانستان قرار داشتند که بر آنها حمله شده بود.

تا شام روز پنجشنبه، یک روز پس از آغاز جنگ، چهار عضو پولیس محلی افغانستان در پسته سرتپه کشته شده و یکی دیگر به زخم شدید برداشته بود و ابراهیم و علی تنها کسانی بودند که از پسته دفاع می‌کردند. آنها مات و مهبوت عدم حمایت بودند؛ چون در فاصله کمتر از ۱۰ مایل از مرکز ولایت و ۳۰ مایل از کابل قرار داشتند. علی گفت: «هر پسته دو، سه حتا چهار شهید داشتند».

علی اضافه کرد که وقتی مشخص شد کابل درخواست‌های آن‌ها را نادیده می‌گیرد، یکی از فرمانده‌هان پولیس محلی افغانستان که علی صرف با نام محمد می‌شناخت و بر سه پسته نظارت داشت، دو محافظش را در میدان نبرد با خودش خواست. علی گفت هر سه تن کشته شدند.

علی گفت که در زمان حمله گنج ماه می‌شد که چندین تن از همکارانش معاش ماهانه ۱۶۶ دالر شان را دریافت نکرده بودند. علی گفت: «ما دو روز بدون غذا، آب و خواب جنگیدیم و کسی حتا همین را هم نگفت که «تشکر از خدمات تان»».

عارف، یکی از دوستان علی از اضطراب پس از جنگ و این تجربه ترسناک و تکان دهنده رنج می‌برد. عارف گفت: «شب دیگر در خوابش سخن می‌گفت: «برو، برو، برو! بگیرش، حالا راکت را فیر کن!». «هیچ کدام آنها فرصت التیام زخم‌های روانی شان را نداشته اند».

علی گفت که به او و تمام همراهانش گفته شده است به پسته‌های شان برگردند در غیر آن وظیفه شان را از دست خواهند داد؛ اما وی می‌گوید که او از رفتن خودداری کرده است تا زمانی که افراد مافوق او سلاح‌های بهتری در اختیارشان قرار ندهند. وی گفت: «اگر اوضاع همان‌گونه که بود ادامه یابد، نمی‌توانیم [به پسته‌های مان] برگردیم».

یکی از فرماندهان پولیس محلی افغانستان بنام ظریف که در جلریز مستقر است و هفته گذشته در مرخصی بود در مصاحبه‌ای گفت که نیروهای شبه نظامی از مدت‌ها پیش احساس می‌کنند وزارت داخله آنها را نادیده می‌گیرد. وی گفت مناطقی را که آنها در آن مستقر بودند در جمله خطرناک‌ترین مناطق این ولایت هستند و مقام‌ها نتوانسته اند قربانی‌های این نیروها را درک کنند. وی گفت: «هنوز در آنجا [در جلریز] شهدایی داریم و در همان نقطه‌ای افتاده اند که طالبان بر آنها حمله کردند». وی گفت حکومت نمی‌تواند خطراتی را که پولیس محلی افغانستان، به ویژه در جلریز، با آن مواجه است هم چنان نادیده بگیرد. وی گفت: «ما به پولیس محلی افغانستان پیوستیم که در خدمت کشور باشیم» «نه بخاطر پول».

گزارشِ تلخ از حادثه‌ی تلخ

تُرك تازي، در شفاخانه اتاترك!

امید بامیاني

قسمت چهارم و پایانی

این‌که به من مي‌گفتند در تمام شفاخانه‌هاي جهان، اطلاعات مربوط به مريض در بايگاني شفاخانه نگهداري مي‌شوند و براي مريض داران چيزي داده نمي‌شود، يقينا سخني است كه بطلان آن آشكار است. بله، شفاخانه حق دارد يك نسخه ازتمام آن اطلاعات را در بايگاني خود نگهدارد تا مطالعات و تحقيقات مقتضي را، روي آنها انجام بدهد. اما اين ضرورت مانع نمي‌شود كه مردم و به‌خصوص مريض داران را از يك كپي آن محروم كنيم. يك كپي از تمام تحولات و روند معالجه، اشد ضرورت است كه در اختيار مريض داران قرار بگيرد پس چرا ما از اين حق آشكار محروم شديم؟ اين موضوع را بايد شفاخانه مربوطه، پاسخ قانع كننده داشته باشد.

۲ـ چنانچه بيان شد، ورقه‌اي كه پس از ساعت‌ها انتظار در اختيار من قرار گرفت، يك كاغذي است كه نه آرمي شفاخانه را دارد و نه امضا و مهر داكتر معالج در پاي آن ديده مي‌شود. درست مثل اين‌كه به كسي آدرس يك محل را بنويسي، يك تكه كاغذي سفيد است كه بر روي آن چند سطري بسيار مختصر نوشته شده است.

مگر تأييد و تصديق بدون آرم و امضا هم رواج دارد؟! همين داكتر صاحبان وقتي چند عدد گولي آسپرين را تجويز مي‌كند، از تمام علايم و نشانه‌هاي مطب شان استفاده مي‌كنند. يعني كاغذي با آرم و علايم مخصوص دارند و در پايان آن مهر شان را نيز درج مي‌كنند.

آيا تصديق فوت يك آدم ولو اين‌كه كودك باشد، به اندازه يك تجويز آسپرين اهميت ندارد؟

اين مسئله توجه را به وضعيت اسفبار كشور معطوف مي‌دارد كه؛ جان انسان در اين كشور چگونه ارزش و قيمت خود را از دست داده است! يك تخته آسپرين كه پنج يا ده روپيه قيمت دارد، داراي مهر و آرم است، اما يك آدم ازده روپيه كم‌تر ارزش دارد كه فوت آن روي كاغذي سفيد و بدون آرم نوشته مي‌شود!

در لحظه فوت كودك غير از مادر كلان ديگر كسي بر سرش حاضر نيست، وقتي او وضع طفل را منقلب مي‌بيند، داد مي‌كشد، ابتداء پرستاري مي‌آيد و بعد از اين‌كه كاري از دستش بر نمي‌آيد، به جست‌وجوي داكتر مي‌رود. داكتر كه مي‌آيد كوشش مي‌كند راه تنفس را باز كند، اما ديگر دير شده و كار از كار گذشته است!

۳ـ آقاي داكتر (ماستر اطفال) در ورقه خود با عنوان نوت نوشته است كه: مريض با وضعيت بسيار خراب به شفاخانه آورده شده بود. درحالي‌كه حدود ده ساعت هيچ‌گونه مطالعه و آزمايشي روي مريض انجام نشد. اگر واقعا حالش وخيم بوده است، در ظرف آن مدت چگونه فعاليت طبي روي مريض صورت نگرفت؟ همراه طفل هر وقت بيرون مي‌آمد، مي‌گفت كه هنوز داكتر اصلي نيامده تا بفهميم كه مرخص مي‌شويم يا مي‌مانيم.

۴ـ من در اين نوشته، كدام اتهام خاص را متوجه اشخاص معين نمي‌كنم، زيرا مطمئنا در شفاخانه‌ها افرادي زحمت كش و دلسوزي نيز هستند كه توسط آنها، شايد جان‌هاي بسياري نجات داده شده باشند و نيز در آينده نجات داده شوند. اما در عين حال كم نيستند افرادي كه جان مردم را به جوي خريدار نيستند! چنان‌چه من وقتي براي تحويل گرفتن فوت شده رفتم، كسي نبود كه دو كلمه با من صحبت كند. گويا اين‌كه: زنده را به ما تحويل دهيد و مرده را خودتان برداريد، يك قانون مسلم شمرده مي‌شود!

اما ناگفته پيداست كه احتراز و خودداري از امضاء و مهر يا كاغذ آرم دار، بايد دليلي قناعت بخشي داشته باشد كه بنده از آن بي اطلاع هستم!

۵ـ درمورد كلينيك يا مطب زهرا زرغونه حيدري، اين مطلب قابل يادآوري است كه آيا تشخيص ايشان مبني برگذشتن ده روز از موعد ولادت، بر مبناي اصول طبي بوده و يا براساس اخذ پول و راه اندازي كار خود؟ در صورت اول، تشخيص شفاخانه«كيور» را باطل و نا صحيح اعلام مي‌كند و البته تعيين اين موضوع به عهده شواهدي طبي است. در صورت دوم است كه عمل سودجويانه تلقي شده و بايد در قبال آن پاسخ‌گو باشد.

٦ـ اين نوشته را به روح كودكاني هديه مي‌كنم كه به جز گريه‌هاي ضعيف، زباني ديگري نداشته اند تا فرياد برآورند كه: پدر و مادر! مارا به دست خود به خانه‌هاي مرگ نبريد.

به كودكاني كه چند صباحي چشمان خود را باز كردند اما نگاه شان هم‌چون شهاب ثاقبي در ظلمت كده‌ها فرو خوابيدند!

به كودكاني كه زندگي كوتاهي شان را با گريه آغاز كردند و با اشك‌هاي بي‌صدا پايان دادند!

به اطفال معصومي كه بدن‌هاي نازك شان در برابر آغازين خشونت‌هاي اين جهان سرد و سخت، مقامت نتوانستند!

به اطفالي‌كه ناله‌هاي نحيف شان در اطراف بسترشان انباشته شد تا بدان‌جا كه راه گلوهاي نازك را بستند!

آري! آنها بسياري از موضوعات را ديده اند اما نتوانسته اند معرفي كنند، زيرا كه زبان نداشته اند!

پيوست؛ ورقه محل ولادت و ورقه بدون آرم شفاخانه اتاتورك، درج است.

ورزشکاران هرازگاهی مورد تهدید قرار میگیرد...

در امتداد نا امنی ها و بحران امنیت در کشور اقشار مختلف که در راستای رشد و ارتقای فرهنگی مردم فعالیت دارند مورد تهدید مالی و جانی قرار میگیرند؛ ورزشکاران نیز از این امر استثنا نبوده است، چنانچه در این اواخر چندین تن از ورزشکاران مورد حمله قرار گرفته است که از این جمله دو نفر ورزشکار کشته شده است .

محمد شاه نظری مربی بوکسینگ در باشگاه سازمان ورزشکاران افغانستان که چندین بار از سوی افراد ناشناس مورد تهدید قرار گرفته بود شامگاه چهار شنبه شب تاریخ دهم سرطان در مربوطات کوته سنگی از سوی افراد مسلح موتر سایکل سوار مورد حمله مسلحانه قرار گرفت که خوشبختانه وی از این حمله جان سالم به در برد. این در حالیست که اکثر ورزشکاران و مربیان ورزش یا از ورزش دست کشیده اند و یا به کشور های خارجی پناهنده شده است.

وی در ضمن اینکه اظهار داشت هیچ تهدید نمی تواند مانع وی به ورزش و انتقال ورزش به جوانان وتلاش درنهادینه نمودن فرهنگ ورزش شود وی میگوید دولت باید امنیت همه اقشار جامعه و مخصوصا مروجین فرهنگ ورزش را تامین نماید.

ادامه مطلب - چرا همسایه‌های افغانستان از سرازیر شدن مواد مخدر...

بلکه گروه‌های تروریستی فراتر از مرزهای آن نیز، سود می‌برند.»

در سال ۲۰۱۴، اداره‌ی کنترل قاچاق مواد مخدر دولت تاجکستان، شش تن هیرویین و تریاک را از نزد قاچاق‌بران توقیف کرده‌است. اما این مقدار، در مقایسه به ٦۵۰۰ مواد مخدر که سالانه در افغانستان تولید می‌شود، خیلی اندک است.

«اوضاع رو به وخامت»

دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم (UNODC) می‌گوید که در مجموع، مناطقی که زیر کشت کوکنار قرار دار دارند، در سال ۲۰۱۴، ۷ درصد افزایش یافته است. این در حالی‌ست که کشت مواد مخدر محدود به ۹ ولایت افغانستان است.

جنرال نظروف تخمین می‌زند که ۲۰ تا ۲۲ درصد مواد مخدر تولید شده در افغانستان از طریق تاجکستان و ازبکستان به اروپا می‌رسد. ۴۵ درصد دیگر از طریق ایران و ۳۸ در صد آن از طریق پاکستان تجارت می‌شود. تأیید این ارقام ناممکن است. اداره‌های مبارزه با مواد مخدر دیگر کشورها، تا هنوز ارقام و تخمینی نشر نکرده‌اند.

اداره‌ی مبارزه با مواد مخدر دولت تاجکستان یکی از نهادهای این کشور است که کارکرد درخشان دارد. با توجه به فساد و ناکارآمدی گسترده‌ی نهادهای دولتی تاجکستان، این اداره خیلی خوب کار می‌کند. این اداره توسط دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم (UNODC)، سازمان همکاری و امنیت اروپا (OSCE) و نیز سازمان همکاری شانگ‌های تحسین شده است.

جنرال نظروف گفت که در زمان اتحاد جماهیر شوروی، نگهبانان مرزی در سال ۱۰ تا ۱۵ کیلوگرام مخدر را توقیف می‌کردند و بخش عمده‌ی آن هم ماریجوانا بود. او می‌گوید که سرازیر شدن مواد مخدر پس از جنگ‌های داخلی افغانستان در دهه‌ی ۱۹۹۰ آغاز شد.

نخستین بار، هیرویین در مرز تاجکستان در سال ۱۹۹۵ توقیف شد و اداره‌ی مبارزه با مواد مخدر، چهار سال بعد از آن تأسیس گردید. آنچه مقام‌های روسیه و کشورهای آسیای مرکزی را خشم‌گین ساخته است این است که نیروهای ناتو و ایالات متحده با مشکل مواد مخدر در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ جدی برخورد نکردند.

جنرال نظروف می‌گوید:«آنان برای کنترل مواد مخدر هیچ پالیسی‌ای نداشتند و ما اکنون مجبوریم با آن مشکل و حتا وضعیت هر روز رو به بدتر شدن، روبرو شویم.»

احتمال دارد تولید و قاچاق مواد مخدر بیشتر از این گسترش یابد و وضعیت بدتر از امروز گردد. اعتیاد به مواد مخدر در چین و روسیه شدیدا افزایش یافته است که باعث خلق بازار جدید و تشویق قاچاق‌بران می‌گردد.

تا هنوز برنامه‌ی بین‌المللی برای چگونگی پایان بخشیدن به افزایش دوام‌دار تولید مواد مخدر در افغانستان وجود ندارد. تا چنین برنامه‌ای ایجاد نشود، کشورهای همسایه‌ی افغانستان هم‌چنان در رنج آن خواهند ماند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

برای متعلمین و محصلین		برای ادارات دولتی و شرکتها		Subscribe to Daily Etilaat Roz	
سه ماهه	۷۵۰ افغانی	شش ماهه	۲۵۰۰ افغانی	6 Months	100$ USD
شش ماهه	۱۳۰۰ افغانی	یک ساله	٤۰۰۰ افغانی	Annual	180$ USD
یک ساله	۲۵۰۰ افغانی				

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
سردبیر: بشیر یاوری
دبیر خبر: عصمت الله سروش
ویراستار: الیاس نو اندیش
صفحه آرا: هادی دریابی
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته سه، سرک دهم
قیمت: ۱۰ افغانی
شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

بگو مگو از facebook

Ahmad Wali Massoud

جلریز و انتخاب حکومت:

وقتی خط دوست و دشمن روشن نباشد، تعریفی از امنیت ملی در دست نباشد، ستون پنجم فعال باشد و یاهم پیمانکار دیگری باشیم و در یک عبارت، دولت ملی واقعی تشکل نیافته باشد، حالت کشور همین است که شاهدش هستیم.

حادثهٔ جانکاه جلریز نه اولین حادثه است و نه آخرین خواهد بود، کشور انتظار حوادث مرگ‌بارتری را خواهد داشت، اگر در دستگاه سیاسی نظام تغیراتی رونما نگردد. زمان کارهای عوام پسند، خط و نشان کشیدن، همایش و نمایش، پنهـان کاری و با مردم از در دیپلوماسی رویه کردن گذشته است.

حکومتی که تاهنوز در انجام ماموریت ذاتی خویش که تشکیل دولت وحدت ملی است ناموفق بوده است و قدمی از بن بست سیاسی درون خود بیرون نگذاشته است، چگونه می‌تواند به مسایل مهم جنگ و صلح، وضعیت معیشتی مردم، بازی‌های کلان... بپردازد.

اگر دلیل بقای نیروهای طالبانی، دیروز در سیاست دلجویی و ناکام آقای کرزی نهفته بود، اما علت بلند پروازیی‌های امروزی شان تلاش پیهم در دفاع تعجب برانگیز حکومت از این نیروها در انظار جهانیان است که آنان را به سرعت و قوت بحیث یک نیروی برجسته معرفی نموده است.

سودای خام صلح با پاکستان که امروز دیگر مطمین شده است که اسناد و مواد مورد ضرورت خود را به دست آورده و می‌تواند با همین توافقات برای مدت‌های طولانی بالای افغانستان حق پدری دعوا نماید، خطای محاسبات و رفتارهای غیر عقلانی می‌باشد که یکجا با بازی‌های پیدا و پنهان، این‌بار ممکن است مردم تاوان آن‌را نسبت به هر زمان دیگر سنگین‌تر بپردازند و کشور را به سرعت به آخر خط برساند.

اگر حکومت در رفتن به راهی که تا امروز ادامه داده است تغیر جهت ندهد، همه بازندهٔ این بازی‌ها خواهیم بود. زمان آن رسیده است که حکومت انتخاب خود را میان دوباره مراجعه به مردم و یا تسلیمی به ترور وحشت نماید.

جلیل تجلیل

در پی کتمان واقعیت

این روزها مقامات حکومتی و امنیتی در تلاش اند تا واقعه ولسوالی جلریز را با تعیین هیئت حقیقت‌یاب که چیزی جز کتمان سازی واقعیت ندارد، کتمان کند. دو تن از سربازانی که از این حادثه جان به سلامت برده و در کابل حضور دارد، شاهد زنده‌های صحنه اند و اگر این‌بار مقامات می‌خواهند عده‌ای دیگر را به عنوان شاهد بیاورد و اسناد سازی جعلی کند، بدانید که این قضیه از روز روشن‌تر است و نمی‌شود جلوی این همه بی‌درایتی و بی‌کفایتی را با هیئت و هیئت سازی کتمان کرد و شعله اعتراضات را با تاخیر در بررسی این پرونده فرو نشاند.

رییس جمهور هیئتی را جهت بررسی قضیه پیش آمده تعین کرده که در مشوره و هماهنگی با والی، قومندان امنیه و شورای ولایتی میدان وردک آن را بررسی وبه ریاست جمهوری گزارش دهند، درحالی‌که خود این‌دسته از افراد که نامی از آنها رفتند متهمان قضیه اند و باید سخت مجازات شوند.

ما بجای این‌که اصلاحی در نظام بیاوریم و سیستم مجازات و مکافات را در نظر بگریم، داریم به نااهلان باج و خراج می‌پردازیم و توقع داریم بازهم جوانان و سربازان ما برای چنین یک روند دغل بازی جان نثاری کنند.

Abutaleb Mozaffari

سیاست ما و هویت ما

ما اغلب با انگ سیاسی زدن به قضایا از جدیت آن‌ها فرار می‌کنیم. با آن مشکل روبرو نمی‌شویم آن را به حاشیه می‌کشانیم. منتسب کردن یک امر به سیاست، شیوه‌های گوناگونی دارد؛ یک نمونهٔ آن که این روزها در میان روشنفکران ما رایج شده ارجاع امور به سیاست‌مداران است. تا اتفاق تازه‌ای می‌افتد، با چند فحش و توهین به خلیلی و محقق و این اواخر دانش، آن را ساده می‌کنیم و از خود نیز رفع مسئولیت. در باقی دنیا کاری ندارم ولی در جامعه ما بردن چیزی به وادی سیاست سبک گرفتن و فراموش کردن آن است.

ما مردم بحران زده‌ای هستیم. از نشانه‌های بحران‌زدگی این است که هر اتفاق تازه‌ای ما را آشفته می‌کند. در عالم آشفتکی حرف‌هایی می‌زنیم و کارهایی انجام می‌دهیم که نه تنها وضعیت‌مان را بهبود نمی‌بخشد که آن را تشدید هم می‌کند. این حالت به این می‌ماند که گروهی از بیم سیل یا زلزله می‌خواهند از مکانی فرار کنند. هدف فرار کنندگان نجات از مرگ است ولی در حین فرار بسیاری از خودشان را زیر دست و پا له می‌کنند.

حادثه جلریز یکی از این اتفاق‌هاست که این روزها مردم ما را آشفته کرده است. چون آشفته‌ایم حرف‌های می‌زنیم و راهکارهای نشان می‌دهیم که بیشتر از تداوی مجروح‌مان می‌کنند. تنها حادثه جلریز نیست به عنوان مثال مسئله کوچی در هزاره‌جات یک زخم کهنه است از قدیم بوده و هرسال هم تازه می‌شود. ولی ارجاعش به سیاست آن را لاینحل گذاشته.

الیاس نواندیش

کشتن، دریدن و آتش زدن بس است، قوم‌گرا نخوانید!

سه صد سال است که هزاره آواره‌ی هر کوی و برزن افغانستان است. در این مدت هزاره از قندهار، هلمند، ارزگان و دیگر زمین‌های آبایی‌اش با زور شمشیر و تفنگ بیرون شدند و به نوک نیزه بسته شدند. هزاره در رسیدن تا به امروز، از کلکته و پنجاب و دهلی سر برآورد و حتا کسی ندانست قیمت این به بردگی فروخته شدن، چند بود. در همین سه صد سال هزاره را به دهان توپ بستند و گفتند: هوایی یا زمینی؟ در صد سال اخیر هزاره بجرم شیعه و خمینیست در سیاه‌چال پوسید و جان داد اما تاریخ هم از این در سیاه‌چال مردن، ننوشت. هزاره در غرب کابل سلاخی شد و عفت دریدند اما آن‌را به گردن خود هزاره انداختند و گفتند: یک مشت یاغی قدرت طلب.

طالبان بجرم وحدتی و نصری بودن هزاره را کشت، زندانی کرد، به رگبار بست و پس از طالبان کرزی به مدرن‌ترین شکل ممکن هزاره را در زندان مرکزی زنجیر کرد تا هزاره، بار خستگی این تحقیر و جور تاریخی را فراموش نکند. اینک که طالب نیکتایی پوش با شعار ملی‌خواهی و ملی‌گرایی، سکان قدرت افغانستان را در اختیار گرفته است، با برادران کوچی‌اش، اما دسیسه‌ی دراز دامن تاریخی، مورد تاخت و تاز قرار داده است. هزاره در جلریز برای امنیت این خاک [صاحب مرده] جان می‌دهد، تکه تکه می‌شود ولی تسلیم نمی‌شود. آنوقت که از شدت درد صدای مان را بلند کردیم، قوم‌گرا و متعصب می‌خوانند و متهم می‌کنند که انگار هزاره خون سربازش را علم عثمان می‌کند تا امتیاز بگیرد. نخیر هم‌وطن من! ما را مکشید، بگذارید از حق خدایی مان استفاده کنیم و زنده بمانیم.

استامینوفن، قاتل رابطه زناشویی!

قبل از خواستگاري خوب بخوابيد!

مي‌خواهيد تصميم مهمي براي زندگي‌تان بگيريد؟ به جاي اينكه اجازه دهيد فكر و خيال شما را در شب قبل بي‌خواب كند، با كمك يك دمنوش آرامش بخش و مديريت ذهن‌تان، به خود براي ٦ تا ٩ ساعت خوابيدن كمك كنيد. محققان مي‌گويند شما نمي‌توانيد فرداي شبي كه بي‌خواب بوده‌ايد، در مورد موضوعات مهم و بحراني درست تصميم بگيريد و ممكن است اشتباهي كنيد كه يك عمر زندگي‌تان را تحت تاثير قرار دهد. به نوشته ساينس‌ديلي، محققان بر اين باورند كه بي‌خوابي نه‌تنها نمي‌گذارد درست و به‌موقع تصميم بگيريد، بلكه توانايي شما براي مقابله با حوادث غيرمترقبه را هم كم‌تر مي‌كند.

خطرات ازدواج با قد بلندها

كم‌تر زني است كه قد بلند را به عنوان يكي از معيارهايي كه هميشه براي انتخاب همسر در ذهن داشته مطرح نكند. حتا خانم‌هايي كه شريك زندگي‌شان قد كوتاه است، انكار نمي‌كنند كه بلند بودن قد مي‌تواند مردها را خوش‌تيپ‌تر و آراسته‌تر نشان دهد. با اين وجود محققان مي‌گويند مردان قدبلند هميشه نمي‌توانند زندگي مشترك موفقي را براي همسرشان رقم بزنند و گاهي مي‌توان گفت قد بلند آفت رابطه زناشويي است. محققان مي‌گويند مردان كوتاه‌قد رابطه زناشويي موفق‌تري دارند و گرچه عمرشان از بلندقدها كمتر است، اما مي‌توانند در اين زمينه بهتر عمل كنند. با اين وجود پژوهشگران مزيت‌هايي را كه قد بلند براي سلامت خود فرد دارد رد نمي‌كنند و تاكيد مي‌كنند قدبلندها كمتر به بيماري‌هاي قلبي دچار مي‌شوند و از آدم‌هاي ديگر شادتر هستند.

آب پرتقال به جاي كلاس كنكور!

نوشيدن يك ليوان آب پرتقال در روز مي‌تواند عملكرد حافظه را بهتر كند. اين ادعايي است كه ديلي ميل آن را نوشته است. محققان بر اين باورند كه اگر ۵۰۰ ميلي‌ليتر آب پرتقال در روز بنوشيد، حافظه‌تان بهتر عمل مي‌كند و بعد از گذشت دو ماه، توانايي حافظه‌تان هشت درصد بيشتر مي‌شود. به عقيده پژوهشگران، سال‌مندانی كه نگران پاك شدن حافظه‌شان هستند هم مي‌توانند از اين داروي طبيعي كمك بگيرند اما به شرط آن‌كه پزشك‌شان به‌خاطر قند بالاي اين نوشيدني آنها را از مصرفش منع نكرده باشد.

نگاهي به داروهايي كه هميشه روي پيشخوان آشپزخانه‌تان قرار دارند بينداز‌يد؟ شما چه داروهايي را در طول هفته مصرف مي‌كنيد؟ محققان مي‌گويند قرص‌هايي كه خودسرانه و در اغلب روزها مي‌خوريد، مي‌توانند رابطه زناشويي شما را به آخر خط برسانند و احساس لذتي را كه مي‌توانيد تجربه كنيد كم‌تر كنند. به نوشته بي‌بي‌سي، استامينوفن يكي از داروهايي است كه به‌خاطر خاصيت ضددردش در بسياري از خانه‌ها يافت مي‌شود. اما از نظر محققان مصرف اين دارو عوارضي را هم به دنبال دارد.

به گفته محققان استامينوفن علاوه بر درد جسماني بر واكنش‌هاي عاطفي هم تاثير مي‌گذارد، و با مصرف آن، هم عواطف و احساسات منفي كم‌تر درك مي‌شوند و هم عواطف و احساسات مثبت. البته استامينوفن همان‌طور كه گفته شد تنها لذت‌هاي شما را از بين نمي‌برد؛ بلكه علاوه بر درد جسماني، باعث مي‌شود تجربيات آزاردهنده اجتماعي يا احساسات تلخ ناشي از روابط خود را هم با شدت كم‌تري درك كنيد و شايد بتوانيد آن را به عنوان دارويي براي تسكين دردهاي ناشي از شكست عشقي معرفي كنيد. البته پژوهشگران هنوز قطعيت اين موضوع را ثابت نكرده‌اند و تنها مي‌دانند كه استامينوفن مي‌تواند در ترشح برخي هورمون‌هاي لذت‌آور و تحريك برخي از بخش‌هاي مغز كه در لحظه‌هاي دردآور و سخت زندگي فعال مي‌شوند تاثير بگذارد.

اسكناس به جاي برچسب نيكوتين

اگر مي‌خواهيد همسرتان سيگار كشيدن يا اعتيادش را به ديگر مواد مخدر ترك كند، به ازاي هر روزي كه سراغ‌شان نمي‌رود، بخشي از پس‌اندازتان را به او بدهيد. محققان مي‌گويند براي ترك دادن چنين اعتيادي، جايزه تعيين كردن مي‌تواند بهترين روش باشد. به نوشته ديلي ميل، محققان مي‌گويند درحالي كه تنها شش درصد مصرف‌كنندگان به‌خاطر اطلاعاتي كه در مورد مضرات مواد مخدر دارند حاضر به ترك آنها شده‌اند، ١٦ درصد افراد به‌خاطر جايزه‌هاي فردي يا گروهي كه تعيين شده ، در طول شش ماه اعتيادشان را كنار گذاشته‌اند و ١٠ درصد وابستگان هم به‌خاطر پول حاضر شده‌اند اعتيادشان را ترك كنند.

اگر از آمپول مي‌ترسيد . . .

نه پنبه الكل‌دار و نه دلداري‌هاي ديگران، هيچ كدام نمي‌توانند درد تزريق آمپول را كم كنند و ترس شما را از بين ببرند. به گفته محققان اين خود شما هستيد كه تنها با حبس كردن نفس‌تان مي‌توانيد اين درد را كم كنيد. به نوشته ساينس ديلي، محققان مي‌گويند وقتي نفس‌تان را حبس مي‌كنيد، مغزتان به عصب‌هاي بدن‌تان پيام مي‌دهد كه كم‌تر نسبت به درد حساسيت نشان دهند. از نظر پژوهشگران به خاطر همين افرادي كه فشارخون‌شان بالاست، كم‌تر درد را احساس مي‌كنند. البته اگر قبل از شروع شدن درد نفس‌تان را حبس كنيد، اين روش مبارزه با درد كارساز مي‌شود؛ نه زماني كه پرستار سرنگ را در رگ شما فرو كرده و درد آغاز شده است.

روز يك‌بار لباس زيرتان را بشوييد

براي حفظ سلامت سينه‌ها، لباس زيرتان را روي ضعيف‌ترين برنامه ماشين لباسشويي و با كم‌ترين ميزان شوينده بشوييد.

سحري ميوه نخوريد

درست است كه خوردن ميوه در وعده سحري مي‌تواند عطش‌تان در طول روز را كم كند، اما محققان مي‌گويند با اين كار باعث مي‌شويد گرسنگي بيشتر سراغ‌تان بيايد. به نوشته هلث، بررسي‌ها نشان مي‌دهد قند ميوه اشتها را تحريك مي‌كند و باعث مي‌شود كه بيشتر احساس گرسنگي كنيد. به گفته پژوهشگران قند موجود در ميوه، عسل و نوشابه‌هاي گازدار ميل انسان را براي مصرف غذاهاي خوشمزه تحريك مي‌كند و آنها را گرسنه‌تر مي‌كند. پس لااقل در وعده‌هاي سحري و افطار، سراغ اين خوراكي‌ها نرويد.

رمزگشايي با استاتوس فيس‌بوك

هميشه گفته شده فعاليت‌هايی كه در شبكه‌های اجتماعی انجام می‌دهيد، می‌تواند حرف‌هايی را در مورد سبک زندگی، آرزوها، كمبودها و حتا ويژگی‌های شخصيتی شما بزند. بررسی‌های محققان در مورد تاثير اين شبكه‌ها بر شما هم‌چنان ادامه دارد و اين بار پژوهشگران ادعا كرده‌اند كه استاتوس فيس‌بوك شما مي‌تواند رازهايي را در مورد شخصيت‌تان فاش كند. به نوشته ديلی ميل، در بررسي‌هاي انجام شده روي كاربران اين شبكه اجتماعي ويژگي‌هايي مثل برون‌گرايي، باز بودن، توافق پذيري، روان‌رنجوري، وظيفه‌شناسي و هم‌چنين اعتماد به نفس يا خودشيفتگي را مورد توجه قرار داده اند كه نتايج آن را در ادامه با شما در ميان می‌گذاريم:

خودشيفته‌ايد؟

اگر شما در صفحه فيس‌بوك‌تان مدام در مورد دستاوردها و موفقيت‌هاي‌تان مي‌نويسيد يا اين‌كه از رژيم غذايي و ورزش كردن‌هاي‌تان صحبت مي‌كنيد؛ از نظر محققان فردي خودشيفته‌ايد، اما در صورتي‌كه مدام در مورد همسر يا نامزدتان استاتوس بزنيد، روان‌رنجوريا به قول خود محققان «نوروتيك» هستيد.

مرد خانواده‌ايد؟

وظيفه‌شناس‌ها به ندرت در فيس‌بوك پست مي‌نويسند و اگر هم بنويسند، محتواي استاتوس‌هاي‌شان بيشتر در مورد فرزندان‌شان است.

اعتماد به نفس نداريد؟

محققان بر اين باورند كه استاتوس‌هاي عاشقانه نه‌تنها رازهاي زندگي خصوصي شما را در اختيار ديگران قرار مي‌دهند، بلكه در مورد عزت نفس شما هم حرف‌هايي مي‌زنند. به باور پژوهشگران، كساني كه مدام استاتوس عاشقانه مي‌گذارند، عزت نفس پاييني دارند. از سوي ديگر، برون‌گراها از اين شبكه به عنوان ابزاري براي گسترس روابط اجتماعي و تعامل برقرار كردن با ديگران استفاده مي‌كنند و برخلاف آنها، درون‌گراها ترجيح مي‌دهند به جاي كامنت گذاشتن و وارد ارتباط نوشتاري شدن با ديگران، تنها از لايك استفاده كنند.

رژلب از توالت آلوده‌تر است!

شايد اگر اين خبر را بخوانيد، براي هميشه قيد آرايش كردن را بزنيد. محققان دريافته‌اند رژلبي كه هر روز سراغش مي‌رويد، از كاسه توالت خانه شما هم آلوده‌تر است. آنها مي‌گويند مسواك، رژلب و پول از كاسه توالت آلوده‌ترند و آلودگي كليد چراغ‌ها هم ۴۰ بار از توالت بيشتر است. كيف دستي و گوشي تلفن همراه شما بيشتر از ١٠ بار و منوي رستوران‌ها بيشتر از ١٠٠ بار از توالتي كه فكر مي‌كنيد كثيف‌ترين گوشه خانه شماست آلوده‌ترند. ماشين لباسشويي، كيبورد رايانه، اسفنج و حوله آشپزخانه، تخته گوشت، فرمان اتومبيل، شيرآلات و چرخ خريد هم از ديگر وسايلي هستند كه از دستشويي‌ها آلوده‌ترند.

TM بازها بخوانند

شايد باور نكنيد اما يك كتاب تازه ادعا كرده است كه ٦٠ درصد از كساني كه سراغ مديتيشن مي‌روند، لااقل به يكي از عوارض آن دچار مي‌شوند. محققان مي‌گويند ابتلا به شيدايي، افسردگي و روان‌پريشي مي‌تواند از عواقب رو آوردن به مديتيشن و تكنيك‌هاي هوشياري باشد. البته به نوشته ديلي ميل، همه افرادي كه به اين تكنيك‌ها پناه مي‌آورند، قرار نيست دچار اين مشكلات شوند.

ويتامين D به‌جاي سمعك

اگر نمي‌خواهيد تا چند سال ديگر قدرت شنوايي‌تان را از دست بدهيد و كارتان به استفاده از سمعك بيفتد، از همين امروز براي دريافت بيشتر ويتامين D و تقويت استخوان‌هاي‌تان تلاش كنيد. محققان مي‌گويند پوكي استخوان مي‌تواند بر قدرت شنوايي شما تاثير بگذارد و گوش‌هاي‌تان را ناتوان كند. ساينس‌ديلي نوشته است كه بيماري‌هاي قلبي- عروقي، فشار خون بالا، بيماري‌هاي كليه و ديابت از جمله بيماري‌هايي هستند كه مي‌توانند سلامت گوش‌هاي‌تان را تحت تاثير قرار دهند و پوكي استخوان هم ازجمله مشكلاتي است كه قدرت شنوايي را هر روز كم‌تر مي‌كند. پس اگر نمي‌خواهيد شنوايي‌تان مختل شود، نمكدان‌ها را بشكنيد، نوشابه نخوريد وكم‌تر قهوه بنوشيد.

مارسلو بالاتر از رونالدو؛ کاپیتان اول رئال

پس از پایان نظرسنجی نشریه مارکا در مورد کاپیتان اول رئال در صورت جدایی کاسیاس و راموس، مارسلو بالاتر از رونالدو قرار گرفت.
این احتمال که کاسیاس و راموس، کاپیتان‌های اول و دوم رئال مادرید، همین تابستان این باشگاه را ترک کنند وجود دارد و در این صورت، مشخص نیست که بازوبند به کدام بازی‌کن خواهد رسید. در حال حاضر از مارسلو و کریس رونالدو به عنوان جدی‌ترین کاندیداهای بستن بازوبند یاد می‌شود.
پس از اتمام نظرسنجی مارکا مشخص شد که از نظر شرکت کنندگان در این نظرسنجی، مارسلو با ٦١ درصد بالاتر از رونالدو که ۳۹ درصد آرا را کسب کرده بود قرار گرفته است.
مارسلو دو سال زودتر از رونالدو یعنی در سال ۲۰۰۷ به رئال پیوسته و سابقه بیشتری نسبت به این فوق ستاره پرتگالی در رئال مادرید دارد. در هر صورت اگر کاسیاس و راموس رئال را ترک کنند، برای دومین بار در تاریخ باشگاه، یک بازی‌کن غیراسپانیایی، کاپیتان اول رئال خواهد شد. سائوتوی مکزیکی، بین سال‌ها ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴، کاپیتان اول رئال مادرید بود.

مقصد آینده ایکر کاسیاس مشخص شد

ایکر کاسیاس تیم بعدی خود را انتخاب کرده و به احتمال ۹۹ درصد راهی پورتوی پرتگال خواهد شد.
۱۰ جون، تلویزیون ملی اسپانیا، TVE، گزارش داده بود که ایکر کاسیاس تصمیم خود برای ترک رئال را گرفته و با مدیران باشگاه نیز بر سر جدایی به توافق رسیده است. دیروز این منبع گزارش داد که به احتمال ۹۹ درصد، تیم بعدی کاسیاس، پورتو خواهد بود.
AS نیز با تایید این خبر نوشته است که پیشنهاد رسمی و مکتوب پورتو به باشگاه رئال مادرید رسیده و کاسیاس نیز با آن موافقت کرده است اما با توجه به این‌که هنوز دو سال از قرارداد این بازی‌کن باقی مانده، رئال مادرید با واگذاری ۱۰۰ درصد مالکیت کاسیاس به پورتو مخالفت کرده است.
در پورتو هم اکنون سه اسپانیایی حضور دارند: لوپتگی به عنوان سرمربی، اولی تورس و ته یو نیز به عنوان بازی‌کن. بدین ترتیب این احتمال وجود دارد که کاسیاس در لیگ قهرمانان به رئال مادرید برخورد کند. با جدایی کاسیاس، پروسه جذب دخیا نیز سرعت بیشتری خواهد گرفت.

علاقه آرسنال و چلسی به جذب مونیر الحدادی

مونیر الحدادی، ستاره ۱۹ ساله بارسلونا مورد توجه دو غول فوتبال جزیره قرار گرفته است. مونیر ابتدای فصل گذشته و به دلیل محرومیت لوئیس سوارز، از سوی انریکه به تیم اول بارسلونا راه یافت و بازی‌های خوبی نیز از خود به نمایش گذاشت اما پس از بازگشت سوارز به میادین، او به تیم دوم بارسا بازگردانده شد.
این بازی‌کن که تا سال ۲۰۱۷ با بارسلونا قرارداد دارد، امسال نیز کار سختی برای پیدا کردن یک جای ثابت در بارسا با وجود مسی، نیمار و سوارز در پیش دارد و ممکن است این باشگاه را ترک کند.
دیلی اکسپرس روز یک‌شنبه گزارش داد که آرسن ونگر قصد دارد با مسجل شدن جدایی پودولسکی که به گالاتاسرای رفت، مونیر الحدادی را جایگزین وی کند. ونگر پیش از این نیز سابقه جذب بازی‌کنان تیم‌های پایه‌ای بارسا را دارد. آرسنالی‌ها حتی به انتقال قرضی مونیر نیز راضی هستند.
دیلی اکسپرس از علاقه چلسی به جذب این ستاره اصالتا مراکشی نیز خبر داده است. همه این‌ها در شرایطی است که انریکه، سرمربی بارسا، پیش از رفتن به تعطیلات، از مدیران بارسا خواسته بود که تحت هیچ شرایطی، اجازه جدایی به مونیر را ندهند.

اسمالینگ: من سریع‌ترین بازی‌کن یونایتد هستم

کریس اسمالینگ، مدافع منچستریونایتد، معتقد است اگر بین بازی‌کنان این تیم مسابقه دو سرعت برگزار شود، خودش اول خواهد شد.
جیمز ویلسون، مهاجم جوان شیاطین سرخ، مدتی پیش در گفتگو با شبکه تلویزیونی اختصاصی باشگاه منچستریونایتد گفته بود با توجه به داده‌های جی پی اس، اسمالینگ سریع‌ترین بازی‌کنان این تیم است؛ ادعایی که این ملی پوش انگلیس هم آن را تایید کرد.
بله، صادقانه بگویم چه مسابقه ۵ متر باشد، چه ۱۰ و وچه ۴۰ متر، من از بیشتر اعضای تیم سریع‌تر می دوم. فکر می‌کنم بعضی‌ها را متعجب کردم اما فکر می‌کنم اگر از خیلی از هم‌تیمی‌ها بپرسید، می‌گویند که نمی‌خواهند با من مسابقه بدهند.
باشگاه منچستریونایتد به طور رسمی از وین رونی به عنوان سریع‌ترین بازی‌کنان تیم در فصل اخیر نام برد. او در دیدار مقابل استون ویلا به سرعت ۳۵ کیلومتر بر ساعت رسید.

لاپورتا: گواردیولا می‌تواند به بارسا برگردد

خوان لاپورتا، یکی از نامزدهای انتخابات ریاست باشگاه بارسلونا، اعلام کرد که این باشگاه از بازگشت پپ گواردیولا استقبال می‌کند اما تاکید کرد در هر صورت، لوئیس انریکه فصل آینده سرمربی آبی‌واناری‌ها خواهد بود.
لاپورتا که بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ ریاست باشگاه بارسلونا را برعهده داشت، در سال ۲۰۰۸ گواردیولا را به عنوان سرمربی تیم اول این باشگاه انتخاب کرد و زمینه ساز رقم خوردن یکی از افتخارترین دوره‌های تاریخ این باشگاه شد.
گواردیولا تا سال ۲۰۱٦ با بایرن قرارداد دارد و هنوز با این باشگاه برای تمدید قرارداد به توافق نرسیده است. در این بین، لاپورتا هم اعلام کرد از بازگشت او به نوکمپ استقبال می‌کند.
او به خبرنگاران گفت: من رابطه دوستانه‌ای با پپ دارم و اگر او علاقه‌مند به بازگشت باشد، در این مورد صحبت می‌کنیم. با این وجود، لوئیس انریکه سرمربی فصل بعد بارسا خواهد بود.
لاپورتا هم‌چنین در مورد لیونل مسی و شایعاتی که در مورد اختلاف او با انریکه در فصل گذشته منتشر شده بود، گفت: امیدوارم لئو فصل آینده هم به نمایش‌های خوبش ادامه بدهد. او هرگز خواستار اخراج مربی تیم نخواهد بود. آن‌چه ما می‌خواهیم، ساختن تیمی است که او در آن احساس راحتی کامل کند. ما در مورد بهترین بازی‌کن تاریخ صحبت می‌کنیم.
به تازگی شایعاتی در مورد احتمال پیوستن سرخیو راموس به بارسا منتشر شده اما لاپورتا چنین احتمالی را رد کرد: او نماد رئال مادرید است و در حال مذاکره برای تمدید قرارداد. ما قبلا با خرید سامی اتوئو، جواب خرید لوئیس فیگو را به آن‌ها دادیم.

آمریکا قهرمان جام جهانی زنان شد

تیم ملی زنان آمریکا با پیروزی ۵-۲ مقابل جاپان، قهرمان رقابت‌های جام جهانی زنان شد.
آمریکایی‌ها که در سال ۱۹۹۱ و ۱۹۹۹ نیز قهرمانی در این رقابت‌ها را تجربه کرده بودند، با این قهرمانی، به اولین تیمی تبدیل شدند که سه بار فاتح جام جهانی زنان شده اند. این دو تیم در فینال دوره گذشته نیز مقابل هم قرار گرفتند که در آن دیدار، جاپان در ضربات پنالتی آمریکا را شکست داده بود.
در این دیدار که در ورزشگاه BC Place در ونکوور کانادا برگزار شد، تیم آمریکا بازی را بسیار هجومی آغاز کرد و در همان ١٦ دقیقه ابتدایی، چهار بار دروازه حریف آسیایی را باز کرد. کارلی لوید با زدن سه گول، ستاره تیمش بود و لورن هالیدی و توبین هیث، دیگر گول‌زنان آمریکا در این دیدار بودند.
یوکی اوگیمی در نیمه اول یکی از گول‌های خورده جاپان را جبران کرد و جولی جانسن، بازی‌کن آمریکا، در نیمه دوم یک گول به خودی زد اما این هم نتوانست جاپانی‌ها را به بازی برگرداند.

ماسکرانو شایعه درگیری اش با بانگا را تکذیب کرد

خاویر ماسکرانو تأکید کرد: برخلاف برخی اخبار او از اور بانگا، یکی از بازی‌کنانی که پنالتی‌اش را در پایان بازی تیم‌های ملی آرژانتین و شیلی در فینال کوپا آمه‌ریکا به هدر داد، انتقاد نکرده است.
بانگا و گونزالو هیگواین دو بازی‌کنی بودند که با به هدر دادن پنالتی‌های‌شان مسبب شکست ۴ بر یک آلبی‌سلسته در ضربات پنالتی فینال کوپا آمه‌ریکا شدند و پس از این بازی گفته شد که مدافع تیم فوتبال بارسلونا در پایان بازی با بانگا درگیر شده است.
ماسچرانو اما این خبر را تکذیب کرد و گفت: هرگز انگشت اتهام را به‌سوی کسی که جرئت می‌کند پشت یک ضربه پنالتی بایستد، نشانه نمی‌رود.
وی درباره شایعه مشاجره‌اش با هافبک سویا به نشریه اوله آرژانتین گفت: شنیده‌ام که در برخی اخبار گفته شده است من با بانگا درگیر شده‌ام، اما باید بگویم که من چنین آدمی نیستم. این خبر مضحک است.
مدافع بارسلونا ادامه داد: من هرگز از کسی که جرئت می‌کند پیش چشمان ۷۰ هزار نفر برود و پنالتی بزند، ایراد نمی‌گیرم و او را مقصر نمی‌دانم. کست تیم ملی آرژانتین در فینال کوپا آمه‌ریکا دومین ناکامی بزرگ آلبی‌سلسته طی یک سال اخیر است؛ چرا که آرژانتینی‌ها سال گذشته نیز در همین ماه با قبول شکست برابر آلمان در فینال جام جهانی ۲۰۱۴ از کسب عنوان قهرمانی محروم شدند.

توخل: هواداران باید رفتار بد برابر گوندوگان را متوقف کنند

توماس توخل سرمربی باشگاه بورسیا دورتموند به حمایت از ایلکای گوندوگان هافبک تیمش پرداخته است.
ایلکای گوندوگان بازی‌کن تیم بورسیا دورتموند، پس از حاشیه‌های فراوان بالاخره با تیم بورسیا تمدید کرد، در این میان گوندوگان بارها اعلام کرد از باشگاه دورتموند جدا خواهد شد، باشگاه‌های بارسلونا و آث میلان و پی اس جی در پی جذب او بودند، و بارها خبرهایی مبنی بر پیوستن او به باشگاه‌های مورد نظر اعلام می‌شد، که در نهایت او با باشگاه بورسیا دور تموند قراردادش را تمدید کرد.
توماس توخل در این باره اظهار داشت: هواداران نباید ایلکای گوندوگان را هو می‌کرند، او در حال حاضر بازی‌کن این باشگاه و عضوی از ما است، او یک غریبه نیست، هواداران باید این مسئله را درک کنند که او برای این باشگاه بسیار زحمت کشیده است و در موفقیت‌های تیم بسیار تاثیر گذار بوده است، اگر دلخوری بین هواداران و گوندوگان است باید هرچه زودتر این مسئله رفع شود، چرا که این مسئله موجب ایجاد حواشی و هم‌چنین از بین رفتن تمرکز تیم و گوندوگان خواهد شد.

مسی جایزه بهترین بازی‌کن کوپاآمریکا را نپذیرفت

لیونل مسی، فوق‌ستاره فوتبال آرژانتین، عنوان بهترین بازی‌کن چهل و چهارمین دوره کوپاآمه‌ریکا را نپذیرفت!
قرار بود عنوان باارزش‌ترین بازی‌کن رقابت‌ها به او تعلق بگیرد اما لیونل با رد این جایزه قبل از مراسم اهدای جام به انداختن سلفی با کودک شیلیایی مشغول شد و مسئولان برگزاری رقابت‌ها هم ترجیح دادند به انتخاب شخص دیگری به جای مسی، برای اولین بار از زمان اهدای جایزه بهترین بازی‌کن جام از سال ۱۹۷۸، این عنوان را از فهرست جام حذف کنند.
برنده دوره قبلی این جایزه، لوئیس سوارس اروگوئه‌ای بود و حالا باید دید آیا مسی که به خاطر امتناع از دریافت جایزه بهترین بازی‌کن بازی تیمش با پاراگوئه در مرحله گروهی دوره اخیر کوپاآمه‌ریکا موجب جریمه نقدی تیمش شد، چه توجیهی برای اقدامش دارد.
بهترین گول‌زن تاریخ لالیگا هر چند در ۴ بازی از ٦ بازی تیمش در کوپاآمه‌ریکا بهترین بازی‌کن زمین نام گرفت اما انگار به این‌که برترین بازی‌کن جام چهل و چهارم بود، اعتقادی نداشت و به همین دلیل برخلاف جام‌جهانی ۲۰۱۴، عنوان بهترین بازی‌کن رقابت‌ها را نپذیرفت.

اقبال بد رونالدو، گریبان‌گیر مسی شد

۱۱ سال پیش چنین روزی، برای کریس رونالدو هم اتفاقی مشابهی افتاد. رونالدو به همراه تیم ملی پرتگال به فینال جام ملت‌های اروپا رسیده بود. شماره ۱۷ آن روزهای پرتگال، در فینالی ناکام ماند که شاید تا آخر عمرش دیگر به آن نرسد. او به همراه فوتبالیست‌های با تجربه‌ای مانند فیگو، دکو، نونو گومز و سایر خوب‌های پرتگال، در کشور خودش به فینال رسید و برابر یونان به‌زانو درآمدند. اتفاقی که با نسل فعلی پرتگال بعید به نظر می‌رسد و شاید نسل آینده -که اکنون قهرمان یورو زیر ۲۱ سال شدند - آن‌ها بتوانند کاری کنند.
تاریخ برای مسی به گونه‌ای دیگر تکرار شد. او به فینال کوپا آمریکا رسید. دقیقا در روز ۴ جولای. مسی هم برابر تیم میزبان به‌زانو درآمد.

نانی رسما به فنرباغچه پیوست

دیروز لیگ حرفه‌ای ترکیه یک ستاره دیگر را در جمع خود دید. لوئیس نانی، بازی‌کن ۲۸ ساله که فصل گذشته در تیم اسپورتینگ لیسبون به صورت قرضی بازی می‌کرد، منچستریونایتد را ترک کرد و به عضویت فنرباغچه نایب قهرمان سوپرلیگ ترکیه درآمد.
او دیروز وارد فرودگاه استانبول شد و به گرمی مورد استقبال قرارگرفت. بعداً وارد باشگاه جدیدش شده و قراردادش را امضا کرد.
نانی پس از امضای قرارداد خود اظهار داشت: خیلی خوشحالم بازی‌کن فنرباغچه شدم. این تیم چالش جدیدی در زندگی ورزشی من است. نهایت تلاش خود را خواهم کرد تا به تیم و هوادارانش قابلیت‌های خودم را نشان دهم.
گفته می‌شود وی سالیانه ۴ تا ۵ میلیون یورو دست‌مزد خواهد گرفت و یکی از بازی‌کنان گران‌قیمت سوپرلیگ خواهد بود.
قبل از نانی برای فصل جدید، ستاره‌هایی همچون لوکاس پودولوسکی(گالاتاسرای)، سیمون کاجر(فنرباغچه)، آندرئاس بئک(بشیکتاش اسپور) وارد لیگ ترکیه شدند.

روزنامه اطلاعات روز

Tuesday ⊙ 07 July 2015 ⊙ Year 04 ⊙ Vol 874 web: www.etilaatroz.com سه شنبه⊙۱۶ سرطان، ۱۳۹۴ ⊙سال چهارم ⊙ شماره ۸۷۴

محل تبلیغات شما
برای نشر اعلانات تان با ما به تماس شوید
۰۷۹۶۰۲۰۸۵۶ و ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

حکمتیار: در صورت وقوع درگیری میان داعش و طالب از داعش حمایت می‌کنم

اطلاعات روز: گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی (شاخه‌ی حزب اسلامی به رهبری حکمتیار) به تازگی اعلام کرده که در صورت وقوع درگیری میان طالبان و جنگ‌جویان وابسته به گروه داعش در افغانستان، این حزب از داعش حمایت می‌کند.

در اعلامیه‌ی حکمتیار که به پیروانش نوشته، آمده است: «در صورتی که میان طالبان امارتی و آن جنگ‌جویان طالبان که به دولت اسلامی پیوسته اند، نزاعی به میان آید' باید از این جنگ‌جویان حمایت کرد.»

از سویی هم حزب اسلامی به رهبری حکمتیار، در این اعلامیه، "کمونیست‌ها و شورای نظار" را گروه‌های قسم خورده خود خطاب کرده است.

با این که در حال حاضر در افغانستان کسی یا گروهی زیر چتر و حمایت کمونیزم و زیر نام کمونیست‌ها فعالیت نمی‌کنند و از این مسیر برای کسب قدرت نیستند؛ اما معلوم نیست که منظور حکمتیار از کمونیست‌ها کی است.

اما شاید منظور حکمتیار از شورای نظار، رهبران و اعضای حزب جمعیت اسلامی افغانستان باشد که در گذشته حزب جمعیت با حزب اسلامی پیشینه‌ی دراز درگیری و رقابت داشته است.

حزب اسلامی حکمتیار نخستین گروهی است که از گروه داعش در افغانستان اعلام حمایت می‌کند. گروه داعش به کشتار بی رحمانه‌ی غیرنظامیان و ایجاد خشونت‌های فرقه‌ی و مذهبی میان مسلمانان متهم است. این حمایت پس از آن اعلام می‌شود که در چند مورد گروه داعش و طالب در ولایت‌های مختلف با هم درگیر شده‌اند. آگاهان نیز از اختلاف ایدیولوژیکی میان این دو گروه خبر می‌دهند. به تازگی ویدیوهای که به نشر رسیده نشان می‌دهد که مردان مسلحی که پرچم داعش را برافراشته اند افرادی را که گفته می‌شود فرماندهان محلی طالبان اند' سر می‌برند.

در ۲۶ ماه جوزای امسال گروه طالبان با ارسال نامه‌ی سرگشاده به ابوبکر البغدادی، رهبر گروه داعش، علاوه بر تشریح عملکرد این گروه در افغانستان، از رهبری داعش خواسته بود که فعالیت‌های جهادی در افغانستان باید به رهبری امارت اسلام صورت بگیرد و افغانستان را به طالبان بگذارد.

تاهنوز رهبری گروه داعش به نامه‌ی طالبان پاسخ نداده است که از یک حزب، که تاهنوز سلاح خود را به زمین نگذاشته و در جنگ با حکومت افغانستان است، حمایت می‌شود.

معلوم نیست که حمایت حزب اسلامی حکمتیار برای گسترش نفوذ گروه داعش در افغانستان چقدر به پیشروی این گروه کمک می‌کند.

این در حالی‌ست که به تازگی حکومت از ایجاد طرح استراتیژیک جنگ و مبارزه با داعش خبر داده است.

به باور کارشناسان حمایت حزب اسلامی حکمتیار در افغانستان از گروه داعش کمی عجیب است؛ چون این حزب با گروه از سابقه‌ی طولانی در افغانستان برخوردار است. این دو گروه در گذشته کنار هم در صفوف مجاهدین جنگیده اند، اما حمایت حکمتیار از جنگ‌جویان وابسطه به داعش که جدیداً در افغانستان به فعالیت آغاز کرده قابل تأمل است.

درگیری میان داعش و طالب در ننگرهار چهارده کشته برجا گذاشت

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت ننگرهار در شرق کشور خبر داده‌اند که در اثر درگیری میان گروه‌های مسوم به داعش و طالب در این ولایت چهارده نفر از هر دو گروه کشته و دو نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند.

سخن‌گوی پولیس ولایت ننگرهار هرچند از گروه‌های که با هم درگیر شده‌اند، مشخص نام نبرده، اما گفته است که میان گروه‌های مخالف مسلح در ولسوالی نازیان این ولایت درگیری رخ داده که تلفاتی نیز در پی داشته است.

سخن‌گوی ولایت ننگرهار نیز، وقوع درگیری میان گروه‌های مخالف مسلح در مسیر ولسوالی اچین این ولایت را تأیید کرد و گفته است که از این درگیری شماری از این گروه‌ها کشته شده‌اند.

اما دفتر رسانه‌های فرماندهی پولیس ننگرهار روز گذشته با نشر خبرنامه‌ای اعلام کرد که درگیری میان گروه‌های داعش و طالب در منطقه‌ی میلوه در مربوطات ولسوالی نازیان این ولایت رخ داده است که در آن چهارده نفر از هر دو گروه کشته و دو تن دیگر زخمی شده‌اند.

هم‌چنان باشندگان ولسوالی اچین گفته‌اند که میان افراد گروه طالبان و افراد مسلحی که خود را اعضای گروه داعش می‌نامند، درگیری صورت گرفته است.

اما اعضای این دو گروه تاکنون در این موردی چیزی نگفته‌اند.

ولایت ننگرهار در شرق کشور در این اواخر شاهد درگیری میان اعضای گروه‌های طالب و داعش بوده است. در ۲۶ ثور امسال مقام‌های محلی ننگرهار از وقوع درگیری میان این گروه‌ها خبر داده و گفتند که در این درگیری حدود ۱۰ نفر از این گروه‌ها کشته شده‌اند.

یک هفته پیش نیز وزارت دفاع خبر داد که از اثر در گیری میان این دو گروه ۲۵ تن از هر دو طرف کشته و زخمی شده‌اند.

درگیری میان این گروه‌ها، نگرانی‌هایی را در این ولایت به بار آورد است. در اواخر ماه جوزا گزارش شد که در برخی از ولسوالی‌های آن صدها خانواده از اثر این درگیری‌ها آواره شده‌اند.

حکومت با تأییدِ حضور گروه داعش در کشور گفته که عمدتاً این گروه در سه ولایت ننگرهار، فراه و هلمند حضور دارند و حکومت برای مبارزه با این گروه برنامه مشخصی را روی دست گرفته است.

این در حالی‌ست که به تازگی حزب اسلام حکمتیار اعلام کرده که در صورت وقوع درگیری میان داعش و طالب از داعش حمایت می‌کند.